

پرسمان سیاسی

ویژه دستاوردهای انقلاب و پاسخ به شبهات آن

مقدمه

با بررسی تطبیقی میان انقلاب اسلامی و حکومت پهلوی مشخص می‌شود، انقلاب اسلامی دستاوردهای راهبردی و ارزشمند بسیاری را برای مردم ایران به ارمغان آورده است. حضرت امام(ره) در پرتو انقلاب اسلامی موفق شدند، به حیات منحوس ۲۵۰۰ ساله نظام ستمشاهی نقطه پایان بگذارند و پرچم اسلام ناب را به اهتزاز درآورند و جامعیت اسلام ناب محمدی(ص) را برای جهانیان در پرتو تشکیل اولین نظام دینی و ولایی در دنیای معاصر و حتی پس از حکومت ائمه معصوم(ع) در طول تاریخ به اثبات برسانند و به دوگانه‌های دروغین، مانند تقابل علم و ایمان و تقابل عقل و دین پایان دهند. انقلاب اسلامی هویت ایرانی - اسلامی ایرانیان را بازتولید و احیا کرد.

ملت ایران پس از انقلاب اسلامی به خودباوری بی‌نظیری دست یافت و خود را از سرخوردگی‌هایی که غرب‌گرایان و فراماسونرهایی، همچون ملک‌خان و سیدحسن

تقی‌زاده سعی بر تغییر فرهنگ اسلامی - ایرانی با فرهنگ منحط غرب داشتند، خارج کرد. روشنفکران غرب‌گرایی، همچون ملک‌خان معتقد بودند: «ما در مسائل حکمرانی نه می‌توانیم و نه باید از پیش خود اختراعی نماییم یا باید علم و تجربه را از غرب بگیریم و سرمشق خود قرار دهیم یا از دایره بربری‌گری خود قدمی بیرون نگذاریم.» همچنین سیدحسین تقی‌زاده حقارت و خودباختگی خود را با تحقیر ملتی با تمدن تاریخی روشن در برابر فرهنگ غربی چنین عیان می‌کرد که: «اگر ایران بخواهد پیشرفتی انجام دهد، باید از مغز سر تا نوک پا غربی فکر کند و غربی شود.» اما ملت ایران در پرتو انقلاب اسلامی استقلال، عزت ملی و آزادی خود را از یوغ مکاتب غربی و شرقی بازیافت و امروز در مسیر تعمیق و تقویت روزافزون آن پیش می‌رود. انقلاب اسلامی با وجود محدودیت تحریم‌های اقتصادی، فشارهای سیاسی و توطئه‌های بین‌المللی توانست ایران را در پرتو برخورداری از استقلال، آزادی، حاکمیت ملی و خودباوری حاصل از تفکر و گفتمان انقلاب اسلامی در مسیر پیشرفت واقعی قرار دهد.

اما با وجود همه این دستاوردها، دشمنان قسم‌خورده انقلاب و نظام اسلامی امروز در جنگ ترکیبی با محوریت جنگ شناختی تلاش می‌کنند با تصویرسازی منفی و غلط از ایران و جمهوری اسلامی به جامعه، به ویژه نسل جوانی که بسیاری از واقعیات قبل و بعد از انقلاب در ایران را ندیده و دریافتی از آنها ندارد، القا کند که انقلاب اسلامی موجب عقب‌ماندگی ایران شده و وضعیت ایران در پیش از انقلاب بسیار

بهرتر از آن چیزی بود که امروز هست!؟ مسلماً، برخی از جوانان ایرانی که تصویری از وضعیت پیش از انقلاب ندارند و در فضای مجازی تصویری اتوپیايي از غرب و برخی کشورهای همجوار ایران در قالب نمایش زندگی لاکچری، اما دروغ برخی سلبریتی‌ها و فرار کرده‌ها به خارج ساخته می‌شود، به راحتی تحت تأثیر تصویرسازی‌های دروغین دشمن قرار می‌گیرند. البته هدف دشمن مشخص است و می‌خواهد از این طریق روحیه انقلابی را از ایرانی‌ها و نسل جوان بگیرد و بین نسل جوان و انقلاب اسلامی فاصله بیندازد.

از این رو، اگر بتوانیم جوانان ایران را با شرایط قبل از انقلاب از نظر سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، دفاعی - امنیتی، موقعیت منطقه‌ای و بین‌المللی ایران آشنا کنیم و به شبهات و ابهامات و پرسش‌های آنها درباره دستاوردهای انقلاب و نظام اسلامی در ۴۴ سال اخیر پاسخ داده و واقعیت این مسیر پیشرفت را برای آنها تبیین کنیم، آنها متوجه مسائل و جنگ پروپاگانداي دشمن خواهند شد و به واقعیت روایت کاملاً دروغ دشمن پی خواهند برد. در متن حاضر با عنوان «پرسمان سیاسی» تلاش شد به پرتکرارترین پرسش‌ها و شبهات مرتبط با دستاوردهای انقلاب اسلامی پاسخ داده شود. ضمن تشکر از اهتمام و تلاش همکاران، امید است این متن برای تمامی جهادگران عرصه جهاد تبیین، امیدآفرینی و روشنگری مفید باشد.

۱- دستاوردهای انقلاب اسلامی را چگونه می‌توان تبیین کرد تا برای

نسل جوان ملموس شود؟ به نظر شما مهم‌ترین این دستاوردها چیست؟

در گفت‌وگو با نسل جوانی که دوران انقلاب و جنگ را تجربه نکرده‌اند و امروز برخوردارهای و سطحی از رفاه را تجربه می‌کنند، وقتی از دستاوردها و برکات انقلاب اسلامی با آنها بحث می‌کنیم، مدعی می‌شوند اینها که دستاورد نیست، اگر رژیم شاه هم ادامه پیدا می‌کرد، وضع کشور این‌گونه بود یا اینکه می‌گویند همه کشورها در سال‌های اخیر پیشرفت کرده‌اند، پس آنچه در ایران اتفاق افتاده، الزاماً - کار خیلی برجسته‌ای نیست. در مواجهه با این‌گونه وضعیت باید به نکات زیر توجه داشت:

۱-۱. دستاوردهای انقلاب اسلامی را نباید صرفاً به دستاوردهای مادی و ملموس محدود کرد؛ بلکه انقلاب افزون بر دستاوردهای مادی و محسوس، دستاوردهای معنوی و هنجاری هم داشته است؛ چه بسا این دستاوردها از حیث ماهوی و الهام‌بخشی اهمیت‌شان به مراتب بالاتر از دستاوردهای مادی بوده است. برای نمونه، انقراض سلسله محسوس پادشاهی ۲۵۰۰ ساله در ایران و تأسیس یک نظام دینی و ولایی که آرزو و آمال تاریخی انبیا و اولیای الهی بوده، آیا دستاورد کمی است؟! آیا همین دستاورد، پایه و ریشه بسیاری از دستاوردها و کامروایی‌های ملت ایران در مقایسه با ملل دنیا نیست؟ اساسی‌ترین و بزرگ‌ترین دستاورد انقلاب اسلامی،

شکل‌گیری نظام ولایی و اصلاح و استحکام رابطه امام و امت بوده است. واقعاً می‌توان همین یک دستاورد انقلاب را با ملاک و متر مادی به سنجش گذاشت؟ نظام ولایی امروز به پایه و الگوی الهام‌بخش انقلاب اسلامی در بین ملل مسلمان دنیا و ملل آزادی‌خواه دنیا تبدیل شده است. البته انقلاب اسلامی دستاوردهای معنوی فراوانی دارد که باید آنها را برای نسل جوان و جویای افتخار ملی با زبان روزآمد بازخوانی کرد. به راستی، برخورداری مردم از حق مشارکت سیاسی از پایین‌ترین تا عالی‌ترین سطوح، یعنی انتخاب رهبر و رئیس‌جمهور، آزادی بیان، آزادی انجمن، پاسداشت حقوق اقلیت‌ها و قومیت‌ها، گسترش معنویت، برانداختن نظام ارباب - رعیتی و ایجاد برابری فرصت‌ها، قطع نفوذ خارجی و... که به برکت انقلاب اسلامی در دسترس ملت ایران قرار دارد، قابل مقایسه با داشته‌ها و سرمایه‌های معنوی مردم دنیا هست؟ آیا نباید قدردان این نعمت انقلاب اسلامی بود که در مجموع، به انسانی‌تر کردن روابط اجتماعی و شرایط زندگی کمک شایانی کرده است؛ به گونه‌ای که هم‌اکنون، ایران به لحاظ شاخص توسعه انسانی از سال ۱۹۹۰ تاکنون، بیشترین میزان رشد را در سطح منطقه داشته و در مقیاس جهانی نیز متوسط رشد ایران، بالاتر از متوسط رشد جهانی است. انقلاب اسلامی به دوران انحطاط ایرانیان پایان داد و عزت ملی، خودمختاری، اعتماد به نفس ملی و «ما می‌توانیم» را جایگزین سرخوردگی، تحقیر ملی، ضعف نفس و «ما نمی‌توانیم» کرد.

۱-۲. در تبیین دستاوردهای مادی هم باید تلاش شود تا به عینی‌سازی این دستاوردها توجه شود، به این ترتیب که نسل جوان به این باور برسد که آنچه امروز دارد، به برکت انقلاب ایجاد شده است. واقعیت آن است که بخش عمده نوجوانان و جوانان امروزی، کمبودها و نقصان‌های موجود در قبل از انقلاب و حتی دهه اول انقلاب را تجربه نکرده‌اند و بنابراین، شاید عجیب نباشد که نتوانند اهمیت دستاوردهای امروز انقلاب را درک کنند. برای فایق آمدن بر این معضل باید تلاش شود شرایط پیش از انقلاب و حتی در دهه اول انقلاب به خوبی برای آنها ترسیم شود تا قدر نعمت‌های امروز و نقش انقلاب در ایجاد آنها را درک کنند.

۱-۳. اگر پیشرفت را پدیده‌ای خودبه‌خودی بدانیم، پس در زمان شاه هم باید پیشرفت‌هایی در کشور صورت می‌گرفت؛ زیرا همان زمان هم دنیا در حال پیشرفت بود و ایران هم باید به موازات دنیا دچار تحول می‌شد، اما این را که چرا این اتفاق در ایران صورت نگرفت، باید به نوع و کیفیت حکمرانی در زمان شاه مرتبط دانست؛ زیرا در زمان شاه، اراده و انگیزه چندانی برای پیشرفت درون‌زا و خدمت به مردم وجود نداشت.

۱-۴. مقایسه وضعیت امروز کشور با کشورهای منطقه که در آنها انقلابی صورت نگرفته است نیز می‌تواند به ما در تبیین دستاوردهای انقلاب کمک کند. واقعیت آن است که ایران در چهل سال گذشته در مقیاس تاریخی، در ابعاد علمی، فناوری،

نظامی و... پیشرفت‌های قابل‌توجهی داشته که مشابه آن در هیچ یک از کشورهای منطقه صورت نگرفته است.

۵-۱. پرهیز از مطلق‌انگاری نیز باید موردتوجه باشد. واقعیت آن است که با وجود دستاوردهای درخشان انقلاب اسلامی، هنوز راه‌های نرفته و نواقصی در کشور وجود دارد که باید مرتفع شود. در تبیین دستاوردهای انقلاب، باید مواظب بود که در دام مطلق‌انگاری و کمال‌پنداری گرفتار نشد و ضعف‌های موجود را هم پذیرفت.

۶-۱. این نکته مهم و کلیدی را باید در نظر گرفت که رویکردهای حاکم بر سیاست خارجی و حتی سیاست داخلی دوره پهلوی به گونه‌ای طراحی شده بود که امکان پیشرفت در عرصه‌های بنیادین و علوم برتر را به ایران نمی‌داد؛ کما اینکه هنوز هم قدرت‌های بزرگ به برخی از شرکای خود اجازه ورود به موضوعات علمی و صنعتی برتر دنیا را نمی‌دهند؛ اما انقلاب اسلامی با ایجاد استقلال سیاسی و بازگرداندن روحیه اعتماد به نفس مرزهای علمی نوین دنیا را درنوردیده است. انقلاب اسلامی در بسیاری از حوزه‌های راهبردی، ایران را در ردیف چند کشور اول جهان قرار داده است، مانند:

- ایران از نظر فارغ‌التحصیلان چهار حوزه علوم دانشی، فناوری، مهندسی و ریاضی در جایگاه پنجم جهان قرار دارد.
- ایران در رتبه هفتم رشد امید به زندگی از سال ۱۳۹۶ تا سال ۲۰۱۷ قرار دارد.

- در مرگ ناشی از مصرف مشروبات الکلی در رتبه اول (پایین ترین میزان مرگ و میر) قرار دارد.
- ایران از رتبه دوم جهان در شاخص توسعه انرژی برخوردار است.
- رتبه چهارم را در تولید بنزین طبیعی دارد.
- ششمین کشور پیشرو در زمینه تولیدات فناوری نانو در دنیاست.
- ایران رتبه دوم در زمینه پیشرفته ترین کشورها در حوزه سلول های بنیادین را دارد.
- ایران از نظر تولیدات زیست فناوری در رتبه اول منطقه قرار دارد.
- رتبه اول دنیا در تولید فرش دستبافت، خاویار، زعفران، پسته و زرشک را داراست.
- رتبه اول رشد شاخص توسعه انسانی در جهان در چهار دهه اخیر برای ایران بوده است.

۲- آیا امام خمینی (ره) از ابتدا قصد تشکیل «نظام ولایی» را داشتند؟

تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران؛ اولاً نقش سیاسی و اجتماعی برای دین قائل نبودند و ثانیاً متأثر از ایدئولوژی لیبرالیسم، لازمه مردم سالار بودن را حذف خداوند و دین از عرصه زندگی و به ویژه حوزه سیاست، می دانستند. امام خمینی (ره) نهضت خود را درست در نقطه مقابل این دو تصور رایج شروع کردند؛

به گونه‌ای که ایشان در اولین بیانیه مبارزاتی‌شان در ۱۵ اردیبهشت ۱۳۲۳ با شروع بیانیه خود با آیه شریفه «قُلْ أَمَّا عِظُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَثْنَى وَفُرَادَى» مردم را به قیام برای خدا فراخواندند؛ قیام برای خدا که مبتنی بر حضور مردم در صحنه باشد. دو نکته و گزاره اصلی در این آیه شریفه وجود دارد که دقیقاً در نقطه مقابل آن دو باور رایج قرار دارند و مورد تأکید امام(ره) بودند.

در ۲۲ مهر ۱۳۵۷ نیز ایشان در پاریس در مصاحبه با «فیگارو» برای اولین بار درباره نوع نظام سیاسی آینده از «جمهوری اسلامی» نام بردند و در توضیح خصوصیات آن فرمودند: «حکومت جمهوری اسلامی مبتنی بر ضوابط اسلام، متکی به آرای ملت» خواهد بود. جمهوریت نماد مردم‌سالاری و اسلامیت نماد خدامحوری. موفقیت در استقرار این الگو، به معنای رد ادعای معتقدان به جدایی دین از سیاست و اثبات این مسئله مهم است که خدامحور بودن با مردم سالار بودن منافاتی ندارد.

خلق این دستاورد در جامعه‌ای که اکثریت آنها باورهای مذهبی دارند و خواهان حاکمیت دین در تعیین مقدورات خود هستند، بسیار حائز اهمیت است. اگر تصور کنیم حکومتی در ایران باشد که بتواند توسعه و رفاه ایجاد کند، اما نسبت به باورهای مذهبی مردم بی‌توجه باشد، باز مورد پذیرش مردم قرار نخواهد گرفت، اهمیت این دستاورد بیشتر روشن می‌شود. علاوه بر این، این نظام ولایی، پایه استحکام، بالندگی، شکوفایی و اقتدار کشور بوده و ضمن دفع تهدیدات گوناگون، در حوزه‌های مختلف با رهنمودهای ولی فقیه، دستاوردهای مهمی ایجاد کرده است.

۳- اگر رژیم شاه تداوم پیدا می کرد، کشور پیشرفت نمی کرد؟

این شبهه برای تحت تأثیر قرار دادن و کم اهمیت جلوه دادن دستاوردهای سترگ انقلاب انتشار یافت و باتوجه به وجود برخی زمینه‌های نابسامانی و مشکلات داخلی، نظیر بیکاری در برخی جوانان که آگاهی چندانی نسبت به رژیم گذشته ندارند، تردید ایجاد کرده است. با وجود این، باید محترمانه و در فضایی مستند و علمی سؤال و شبهه را بررسی کرد. در پاسخ می‌توان به چند نکته مهم اشاره کرد:

۳-۱. حکومت ۵۰ ساله پهلوی‌ها (پدر و پسر) در ایران، به ویژه دهه ۵۰ شمسی که درآمد ناخالص داخلی و فروش نفت ایران به دلیل وضعیت گرانی انرژی در آن مقطع و جمعیت آن موقع که نصف امروز بود، بسیار بالاتر از امروز بوده و همان هنگام دنیا درگیر جدی در توسعه بود و بین ملت‌ها مسابقه پیشرفت در علم و دانش و صنعت بود، در ایران از ایجاد زیر ساخت‌ها و صنایع پایدار و پیشرفته مادر، که پایه توسعه و رشد کشور هستند، خبری نبود و اگر هم اربابان غربی برای خالی نبودن عریضه و بستن دهان منتقدان داخلی و توجیه تداوم حضور خود در کشورمان برخی صنایع دست چنم زهوار در رفته را به ایران با قیمت گزاف می‌فروختند، بیشتر از جنس صناعی بودند که هزینه نگهداری آنها برای غرب بیشتر از درآمد آن بود. بنابراین، با فروش آن به ایران هم خودشان را از شر آن راحت می‌کردند و هم منتهی را بر سر رژیم طاغوت می‌گذاشتند که ما شما را وارد دنیای توسعه و تمدن کرده‌ایم.

۲-۳. امروز که آثار و نتایج نگاه استعماری غرب به دیکتاتورهای منطقه، از مصر متمدن گرفته تا سعودی تا بن دندان وابسته به آمریکا و سایر کشورها را بررسی می‌کنیم، می‌بینیم که اگر نظام استبدادی و شاهی تداوم می‌یافت، الآن وضعیت ما هم بهتر از این کشورها نبود. با وجود این، کشورهای منطقه و مدعی‌ترین آنها، یعنی سعودی با درآمدی چند برابر ما کجا ایستاده است و جمهوری اسلامی ایران کجا؟! البته در صورت تداوم پهلوی و هر حکومت همسو با غرب و آمریکا، در نهایت ممکن بود آنها در ایران چند شرکت تأسیس کنند؛ اما هیچ وقت اجازه نمی‌دادند ما طعم استقلال علمی و خودکفایی نظامی را بچشیم. مگر امروز آمریکایی‌ها در راه‌یابی کشورهای همسوی خود به باشگاه‌های علمی و هسته‌ای و اقتصادی اذن می‌دهند؟ البته هر چه دانش و تسلیحات بخواهند در صورت بله‌گویی به آنها می‌فروشدند. تجربه ملت ایران در تک محصولی کردن نفت ایران و اجازه ندادن به تعویض حتی روغن هواپیما از سوی ایرانی‌ها که به قیمت گزاف تکنسین از آمریکا با پرواز می‌آمد و دور از چشم کارگر ایرانی انجام می‌داد و می‌رفت، باید به یاد و حافظه جوان امروز لینک شود تا بیشتر عظمت کار انقلاب را در حوزه استقلال فکری، علمی و نظامی درک کند.

۳-۳. ارتش، بوروکراسی، دربار و حمایت‌های خارجی، چهار رکن حکومت پهلوی دوم بود و هرچه به اواخر عمر این رژیم نزدیک می‌شویم، نقش حمایت‌های خارجی بیش از پیش تقویت می‌شود؛ به گونه‌ای که روابط آمریکا با شاه، در قالب

«دست‌نشانده‌گی» قابل‌تعریف است. براین اساس، در حالی که شاه بیش از هر چیزی ابتدا به دنبال حفظ سلطنت خود و راضی نگاه داشتن آمریکایی‌ها به منزله قدرت خارجی حامی بود، طرح توسعه و پیشرفت برای ایران دروغ بزرگ و حتی طنز تلخی است که اسناد تاریخی به خوبی گواه آن هستند. به عبارتی، اگر هم در برهه‌ای، شاه از اصلاح و توسعه دم می‌زد، ریشه آن را باید در نگاه آمریکایی‌ها برای حفظ منافع خودشان دید. برای نمونه، انقلاب سفید به منزله محور برنامه‌های توسعه‌ای رژیم، طرحی بود که با فشار آمریکا در ایران اجرا شد و در ابتدا، با مخالفت‌های جدی شاه هم مواجه بود. توضیح آنکه اصلاحات مذکور وقتی در ایران مطرح شد که در سال ۱۹۶۱، «کندی» در آمریکا روی کار آمد و تنها راه حفظ دولت‌های طرفدار غرب در جهان سوم (برای جلوگیری از غلتیدن آنها در دامن کمونیسم) را اجرای اصلاحات دانست؛ اما پیامد اجرای این اصلاحات که اصلاحات ارضی محور آن بود، برای ایران بسیار تلخ بود؛ زیرا ۱۴ سال پس از اجرای اصلاحات ارضی، یعنی در سال ۱۳۵۶، ایران از یک کشور خودکفا در تولید محصولات کشاورزی، مجبور شد ۱۴ درصد از نیازهای غذایی خود را از خارج وارد کند. پیامد دیگر اجرای اصلاحات ارضی، مهاجرت از روستاها به شهرها و گسترش حلبی‌آبادی‌ها در شهرها بود و...

جالب آنکه، بعدها در اسناد لانه جاسوسی آمریکا، سندی از آمریکایی‌ها کشف شد که پیش‌بینی کرده بودند با توجه به عملکرد رژیم شاه، ایران تا سال ۱۳۷۵ در ردیف

بدهکارترین کشورهای جهان قرار خواهد گرفت. در زمینه توسعه سیاسی و آزادی‌های اجتماعی نیز وضع بهتر از حوزه‌های دیگر نبود؛ زیرا ثمره حکومت پهلوی در سال‌های آخر عمر حکومت پهلوی، حذف احزاب سیاسی، تشکیل حزب فرمایشی رستاخیز و اجبار سیاسیون برای پیوستن به آن بود که این مسئله نشان می‌داد، شاه به توسعه سیاسی اعتقادی ندارد؛ بلکه تنها سعی می‌کند برای راضی کردن افکار عمومی ظاهر را حفظ کند که البته در همین هم ناموفق بود. «ایرواند آبراهامیان» درباره حزب رستاخیز و عدم موفقیت آن می‌نویسد که حزب می‌خواست نوعی دیکتاتوری نظامی کهنه را به صورت یک دولت توتالیترمآب درآورد، اما حزب رستاخیز به جای ایجاد ثبات، کل رژیم را تضعیف کرد و سلطنت را بیش از پیش از ملت جدا کرد؛ زیرا بسیج توده‌ها که آنها درصدد تحققش بود، فریفتن توده‌ها بود که به نوبه خود ناراضی‌تبی توده‌ای ایجاد کرد.

۴- آیا با انقلاب اسلامی، تغییر قابل توجهی در شاخص توسعه انسانی

نسبت به دوران پهلوی به وجود آمده است؟

توسعه انسانی مفهومی والاتر از رشد اقتصادی دارد. کشورهایی که از درآمد سرانه بالا برخوردار هستند، لزوماً در رده کشورهای توسعه‌یافته تلقی نمی‌شوند. این امر دلالت بر آن دارد که مفهوم توسعه دربرگیرنده اجزای دیگری، مانند کاهش فقر و توزیع عادلانه درآمدهاست که در نگاهی کلی به دنبال دستیابی به اموراتی است که مد نظر توسعه انسانی باشد. به بیان دیگر، می‌توان توسعه انسانی را مهم‌ترین بعد

توسعه دانست و شاخص توسعه انسانی را این گونه تعریف کرد: «استفاده از یک ابزار آماری برای اندازه گیری دستاوردهای کلی یک کشور در ابعاد اجتماعی و اقتصادی». طبق این شاخص ابعاد اجتماعی و اقتصادی یک کشور بر اساس سلامت، سطح تحصیلات و سطح زندگی افراد ارزیابی می شود. در حقیقت، توسعه یافتگی را بر مبنای این اصل تعیین می کنند.

شاخص توسعه انسانی پیش از انقلاب، پایین تر از اردن و ازبکستان، هم سطح با غنا و کنیا بود. بر اساس گزارش های دفتر توسعه سازمان ملل، ایران در سال ۱۳۵۶ که آخرین سال حکومت پهلوی است، از نظر توسعه انسانی، جزء کشورهای دارای توسعه متوسط بوده و معدل نهایی آن برابر با معدل کنونی کشورهای غنا و کنیا بوده است؛ یعنی هر کس می خواهد موقعیت ایران در آخرین سال حکومت پهلوی را مشاهده کند باید امروز به کشورهای غنا و کنیا سفر کند. در آن سال ایران در جایگاهی پایین تر از ازبکستان و اردن قرار داشته است. این در حالی است که حکومت پهلوی روزانه شش میلیون بشکه نفت تولید و صادر می کرد و قیمت نفت از سال ۱۳۵۲ به چهار برابر افزایش یافته بود و جمعیت کشور نیز نصف جمعیت امروز بود. در سال ۱۳۵۶ که آخرین سال حکومت پهلوی بود، از نظر شاخص توسعه انسانی در بین ۱۸۰ کشور جهان در رده ۱۳۰ جدول قرار داشت؛ ولی در گزارش مربوط به سال ۲۰۱۸م (۱۳۹۶) به رتبه ۶۰ صعود کرده، یعنی طی حدود چهل و سه سال پس از انقلاب، موفق شده از ۷۰ کشور جهان سبقت بگیرد و به

سمت صدر جدول پیش برود. در گزارش کشورهای جهان از نظر میزان توسعه انسانی به چهار گروه تقسیم‌بندی شده‌اند که عبارتند از: کشورهای دارای توسعه انسانی بسیار بالا، کشورهای دارای توسعه انسانی بالا، کشورهای دارای توسعه انسانی متوسط و کشورهای دارای توسعه انسانی پایین. در جدیدترین گزارش این سازمان که چندی قبل منتشر شده است، ایران در گروه کشورهای « High human development »؛ یعنی توسعه انسانی بالا دسته‌بندی شده است. این یعنی جمهوری اسلامی ایران در شاخص‌های گوناگون با وجود همه فشارهای قدرت‌های بزرگ، بالاتر از کشورهایی، چون ترکیه، چین، هند، مکزیک و برزیل، که محدودیت‌های ایران را نداشته‌اند، قرار گرفته است.

۵- با انقلاب اسلامی چه تحول مثبت و قابل قبولی در قدرت نظامی و

نیروهای مسلح کشور پدید آمد، در حالی که گفته می‌شود ارتش زمان

شاه قدرت چهارم جهان بود و انقلاب این جایگاه را از بین برد؟

در دوره محمدرضا پهلوی استقلال نظامی نابود شده بود. از سال‌های ۱۳۵۰ به بعد اداره ارتش در دست مستشاران آمریکایی بود. تعداد آنها آنقدر زیاد بود که از هر پنج نفر نظامی ایرانی، یک نفر آمریکایی بود. آنها خود را برتر از افسران نظامی ایرانی و بلکه از خود شاه نیز بالاتر تعریف می‌کردند. ترفیع افسران ارتش را پیش از آنکه شاه تأیید کند، آنان باید تأیید می‌کردند. آنها حق توهین به امرای ارتش ایران را نیز داشتند؛ به گونه‌ای که سرهنگ مستشار نظامی آمریکایی در دیدارش با فرمانده

لشکر تبریز می گوید مغز یک الاغ از مغز تیمسار آریانا بهتر کار می کند.^۱ نظامیان آمریکایی برای ورود به ایران نیز به اجازه هیچ کس نیاز نداشتند. «ژنرال هایزر» در خاطراتش خیلی صریح به این مهم اشاره کرده و می گوید: «نظامیان آمریکایی بدون پاسپورت و ویزا و تشریفات اداری وارد ایران می شدند.»^۲ به همین دلیل در آمار تعداد حضور نظامیان آمریکایی در ایران اختلاف وجود دارد. تحقیقات مجلس سنای آمریکا تعداد آنها در سال ۱۳۵۷ را بین ۴۰ تا ۵۰ هزار نفر تخمین زده است.^۳ «جان استمپل» تعداد آنها را تا ژوئیه ۱۳۵۶/۱۹۷۸م رقمی معادل ۵۴ هزار نفر آورده است.^۴ و «رابرت هایزر» حدود ۵۸ هزار نفر دانسته است.^۵ افزون بر این، آمریکایی ها بدون اجازه و اطلاع شاه از تجهیزات نظامی برای برنامه های برون مرزی استفاده می کردند و با صلاحدید خود از پایگاه هایش در ایران برای عملیات در خارج استفاده می کردند، تا جایی که محمدرضا پهلوی به مادرش می گوید: «بدون اطلاع من هواپیماهای نظامی را آمریکایی ها برده اند به ویتنام.»^۶ محمدرضا شاه پس از سقوط سلطنتش با لحن گلایه آمیز از آمریکا گفت: «هر سال، میلیاردها دلار بودجه

۱. زینب احیایی، مستشاران آمریکایی در ایران به روایت اسناد، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی ایران، ۱۳۸۲، ص ۷۴.

۲. رابرت هایزر، همان، ص ۱۷.

۳. عبدالرضا هوشنگ مهدوی، همان، ص ۴۰۶.

۴. جان دی. استمپل، درون انقلاب ایران، ترجمه منوچهر شجاعی، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۷، ص ۲۰۹-۲۱۰.

۲۱۰

۵. رابرت هایزر، مأموریت به تهران، ترجمه نعمت الله عاملی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۱، ص ۵۴.

۶. ملیحه خسروداد و توج انصاری، همان، ص ۳۸۷.

کشور را صرف خرید اسلحه از کمپانی‌های آمریکایی کردم و صدها میلیون دلار به مؤسسات آموزشی و اجتماعی آمریکا، کمک بلاعوض کردم»^۷ در حالی که کشور در آن زمان از ناحیه هیچ دولتی تهدید نظامی نمی‌شد.^۸ بر همین اساس وابستگی به گونه‌ای بود که ارتش ایران اجازه ساخت کوچک‌ترین قطعه تجهیزات نظامی را نداشت.

نیروهای مسلح پس از انقلاب از وابسته به بیگانه بودن، خارج شده و به ملت ایران وابسته شدند. در حال حاضر، نیروهای مسلح از مردم، با مردم و در مردم هستند. پیشرفتی که نیروهای مسلح با وجود تحریم‌ها در حوزه فناوری‌های نظامی و دفاعی به دست آورده‌اند، عقب‌ماندگی چند صد ساله ایران را جبران کرده است. ایران اکنون به اعتراف کارشناسان نظامی در فهرست چهار کشور برتر جهان قرار دارد که می‌تواند تولیدات موشکی کوتاه‌برد، میان‌برد و دوربرد داشته باشد. جمهوری اسلامی در حوزه پهپاد در منطقه رتبه اول و در دنیا جزء چهار کشور برتر است. از نگاه روزنامه «جروزالم پست» رژیم صهیونیستی، کشور ایران ابر قدرت پهپادی جهان است.^۹ «ژنرال کنت مکنزی» فرمانده سازمان تروریستی سنتکام در جلسه

۷. فرح پهلوی، دختر یتیم، به کوشش احمد پیرانی، تهران: به‌آفرین، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۸۷۲

۸. ارتشبد جم رئیس سابق ستاد بزرگ ارتش‌داران در گفت‌وگو با رادیو بی‌بی‌سی گفت: «مشخص نبود که ارتش باید علیه چه تهدیدی بایستد؛ مهم‌ترین تهدیدات محتمل را باید در نظر گرفت و در مقابل آن ایجاد نیرو کرد؛ ولی معلوم نبود که ارتش ایران برای مقابله و جنگ با کی است؟ با شوروی؟ با عراق؟ با ترکیه؟ بدون شک می‌توان گفت ارتش ایران هدف نداشت.»

(جمیله کدیور، رویارویی انقلاب اسلامی ایران و آمریکا، تهران: اطلاعات، ۱۳۷۴، ص ۹۹)

۹. <https://www.alef.ir/news/4000201095.html>

استماع کنگره، در پاسخ به پرسشی مبنی بر اینکه آیا آمریکا برتری هوایی خود را در خاورمیانه از دست داده است، گفت: «استفاده گسترده ایران از پهپادهای کوچک و متوسط برای عملیات‌های شناسایی و هجومی به معنای آن است که برای اولین بار از زمان جنگ شبه جزیره کره [اوایل دهه ۱۹۵۰ میلادی] بدون برتری کامل هوایی، عملیات انجام می‌دهیم.»^{۱۰} پس از انقلاب، نیروهای مسلح به اعتماد به نفسی رسیدند که در تاریخ ایران کم‌نظیر است. این خودباوری و نداشتن وابستگی نظامی و راهبردی، سبب شد که در میدان تولید ماهواره‌های نظامی وارد شود. در این راستا، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی دومین ماهواره نظامی خود را در سال ۱۴۰۰ با موفقیت به مدار زمین فرستاد. دسترسی ایران به موشک‌های هایپرسونیک با توجه به آنکه تاکنون صرفاً روسیه، چین و آمریکا در این حوزه به موفقیت‌هایی رسیده‌اند، یکی از بزرگ‌ترین دستاوردهای حوزه دفاعی - امنیتی جمهوری اسلامی بوده است. سردار امیرعلی حاجی زاده، «فرمانده نیروی هوافضای سپاه» گفته است: «این موشک سرعت بالایی دارد و در جو و خارج از جو می‌تواند مانور دهد. این موشک جدید از همه سامانه‌های سپر موشکی عبور می‌کند و فکر نمی‌کنم تا ده‌ها سال بعد هم فناوری‌ای پیدا شود که بتواند با آن مقابله کند. این موشک سامانه ضد موشکی دشمن را هدف قرار می‌دهد و یک جهش بزرگ نسلی در حوزه موشکی است.»

۱۰. <https://www.farsnews.ir/news/14000215000764>.

۶- شاه سیاست خارجی مستقل داشت و به مردم خود فکر می کرد، اما چرا جمهوری اسلامی به مردم خودش توجه نمی کند و به کشورهای

دیگر باج می دهد؟

نظام پهلوی هرگز سیاست مستقل نداشت. شاه در سیاست خارجی تنها مجری بی چون و چرای سیاست های آمریکا بود. مأموریت ژاندارمی شاه براساس دکترین نیکسون، نماد فروش استقلال ایران در سیاست خارجی به کاخ سفید بود؛ زیرا براساس این دکترین، شاه با پول نفت ملت ایران، سیاست خارجی کشور را کاملاً در خدمت برقراری امنیت برای منافع آمریکا در سطوح منطقه ای و فرا منطقه ای قرار داده بود. اولین خدمت شاه، ورود به جنگ ویتنام بود. ایران با فرمان دولت واشنگتن واحدهایی از افسران و کارمندان و تجهیزات نظامی خود را به سایگون اعزام کرد.^{۱۱} طبق گزارش سفارت آمریکا در تهران، آمریکا از ایران خواست که ۵۰ فروند هواپیمای F-5 برای استفاده در ویتنام تأمین کند و شاه ۱۲ دقیقه پس از طرح این موضوع، پاسخ مثبت داد.^{۱۲}

سرکوب جبهه آزادی بخش ظفار در عمان، مأموریت دیگر شاه در راستای سیاست های آمریکا برای جلوگیری از نفوذ شوروی بود. شاه بالغ بر سه هزار نفر از

۱۱. Ramazani, Roahollah k, Iran Foreign Policy, 1911- 1973 Charlottesville, University Press of Virginia, 1975, p341.

۱۲. دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، اسناد لانه جاسوسی، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی، ۱۳۹۰، ص

نیروهای مسلح ایران را - که به تدریج تا ده هزار نفر افزایش یافت - از سال ۱۳۵۱ با هدف سرکوب این جنبش به عمان اعزام کرد، در حالی که هیچ گونه تجاوز ارضی یا تنش سیاسی صورت نگرفته بود. میزان هزینه‌ای که شاه در این زمینه بر ملت ایران تحمیل کرد به روایت اسناد وزارت امور خارجه میلیاردها تومان بود و انگلیسی‌ها این هزینه را حدود یک میلیارد دلار اعلام کردند.^{۱۳} تلفات ارتش ایران از شروع عملیات در آذر ۱۳۵۲ تا پایان سال ۱۳۵۴، کشته شدن ۲۵ درجه‌دار و ۱۸۶ سرباز و مجروح شدن بیش از هفتصد تن بود.^{۱۴} حمایت از سلطنت‌طلبان متمایل به غرب در جنگ‌های داخلی یمن، اقدام دیگر شاه با دستور آمریکایی‌ها بود. ایران در طول این جنگ هشت ساله به ارسال اسلحه و آموزش نظامی اقدام کرد. شاه نیز کمک‌های اعطایی ایران به صنعا را اعلام کرده و در روزنامه‌های آن زمان منتشر شده بود.^{۱۵} شاه در جنگ میان سومالی و اتیوپی و در مراکش هم علیه چریک‌های پولیساریو، حمایت نظامی و مالی کرد.^{۱۶} «هنری کسینجر» وزیر خارجه وقت آمریکا نیز خدمات شاه به آمریکا در ویتنام و افریقا را تأیید می‌کند.^{۱۷} کمک‌هایی که شاه متعهد شده

۱۳. اسناد وزارت امور خارجه، جعبه ۱۸، پرونده ۲۹۴، ۱۳۵۳/۸/۲۷ و جعبه ۱۷، پرونده ۳۰۰، ۱۳۵۴/۱۲/۲.

۱۴. خبرگزاری پارس، ۱۳۵۵/۸/۱۰.

۱۵. روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۴/۱۰/۳، ص ۲۸.

۱۶. پل بالتا، مغرب بزرگ از استقلال تا سال ۲۰۰۰م، ترجمه عباس آگاهی، تهران: وزارت امور خارجه، ۱۳۷۰، ص ۱۲۸.

۱۷. محمدجعفر چمنکار، «مأموریت نظامی گری دولت پهلوی دوم و تأثیرات آن بر سیاست خارجی ایران»، پژوهش‌های

تاریخی، دوره جدید، س ۲، ش ۸، زمستان ۱۳۸۹، ص ۲۷.

بود به کشورهای اروپایی، آسیایی و آفریقایی ارائه کند، بیش از ۱۵ میلیارد دلار بود!^{۱۸}

این در حالی است که ایران پس از انقلاب، مستقل ترین سیاست خارجی را به نمایش گذاشته و بدون هر نوع ترسی، فرمان سیاست خارجی خود را براساس منافع ملی اش تعیین می کند. برعکس دوران شاه، ورود ایران در تحولات منطقه ای، مانند بحران سوریه و عراق بنا بر دعوت این کشورها و به طور کامل در چارچوب منافع ملی بوده و با نابود کردن ماشین جنگی هیولای داعش که مورد حمایت آمریکا، سعودی ها و رژیم صهیونیستی بود، عزت ملی ایران را در میان ملت ها بالا برد. استقبال ملت های جهان از تشییع شهید سلیمانی مؤید این حقیقت بود. ایران قبل از انقلاب در سازمان ملل «آقا اجازه» بود؛ اما اکنون بدون توجه به قدرت های بزرگ به صورت مستقل رأی خود را می دهد.

۷- آیا در بخش خدمات عمومی و رفاهی جمهوری اسلامی

دستاوردی برای ایران به ارمغان آورد؟

انقلاب اسلامی در تلاش برای بهبود نسبی شاخص های رفاهی موفق بوده است. در واقع، طی سال های پس از انقلاب افزایش قابل توجهی در دسترسی به خدمات اساسی و لوازم خانگی رخ داده است، به گونه ای که با وجود گسترش شهرنشینی که بیشتر به افزایش اجاره نشینی منجر می شود، مالکیت مسکن همچنان بالا باقی مانده و

۱۸. یوسف نراقی، «نخبگان نظامی و سیاسی عصر پهلوی (۱)»، مجله دانش انتظامی، ش ۱، بهار ۱۳۷۸، ص ۱۴۹.

مساحت سرانه خانه‌ها افزایش یافته است (به استثنای چند سال اخیر)، شکاف شهری - روستایی در دسترسی به خدمات اساسی، مانند آب، برق، گاز، تلفن، راه، بهداشت و درمان و... به طور چشمگیری کمتر شده است و در نهایت، شکاف نهایی میان مناطق روستایی و شهری نیز کمتر شده است. در این زمینه، سیاست‌های حمایت از طبقه فقیر، مانند برق‌رسانی به روستاها و سهمیه‌بندی طیف وسیعی از کالاهای مصرفی، در دهه اول انقلاب دنبال شد. مساعدت مستقیم به فقرا از طریق شبکه‌ای از مؤسسات خیریه نیمه‌دولتی که بزرگ‌ترین آنها کمیته امداد است، نیز بر کاهش فقر تأثیر داشته است.

۸- دستاوردهای انقلاب اسلامی در حوزه برق‌رسانی را توضیح دهید.

پیش از پیروزی انقلاب اسلامی و در اوج فعالیت‌های رژیم طاغوت، تنها ۳/۱ میلیون مشترک برق، اعم از خانگی، عمومی، صنعتی و کشاورزی وجود داشت؛ این در حالی است که بررسی ۱۰ شاخص توسعه‌ای و اصلی صنعت برق نشان می‌دهد، پس از انقلاب به طور میانگین سالانه ۶٫۱۸ درصد رشد در شاخص‌های خدمت‌رسانی ایجاد شده و تداوم داشته است و بر اساس آمار رسمی وزارت نیرو تعداد کل مشترکان برق در پایان تیرماه ۱۴۰۱ به رقم ۳۸ میلیون و ۹۵۱ هزار فقره رسیده است. از مجموع این آمار، ۳۱ میلیون و ۱۱۰ هزار مشترک خانگی، یک میلیون و ۹۰۲ هزار مشترک عمومی، ۵۰۹ هزار مشترک کشاورزی، ۲۶۷ هزار مشترک صنعتی و ۵ میلیون و ۱۶۳ هزار مشترک تجاری هستند. گفتنی است، هم

اکنون همه روستاهای کشور از نعمت برق برخوردارند. این در حالی است که در سال‌های دهه ۱۳۵۰، ۹۶ درصد روستاها برق نداشتند.

۹- دستاوردهای انقلاب اسلامی در حوزه آبرسانی را توضیح دهید.

در سال ۱۳۵۷، میزان تولید آب ۱/۵ میلیارد مترمکعب و تعداد انشعاب ۲/۷ میلیون بوده است؛ اما تا سال ۱۳۹۹، تعداد شهرهای تحت پوشش آب شهری از ۴۵ شهر به ۱۲۴۸ شهر در حال حاضر افزایش یافته است؛ آبرسانی به روستاها از ۱۲۰۰۰ روستا در سال ۱۳۵۷ به ۳۶۴۳۱ روستا در سال ۱۳۹۹ رسیده است. بر اساس آمارهای مرکز آمار ایران، در سال ۱۳۵۵، از حدود ۲/۹ میلیون واحد مسکونی روستایی، در حدود ۲/۳ میلیون یا به عبارتی، ۷۹ درصد از جمعیت روستایی فاقد تأسیسات لوله‌کشی لازم بوده‌اند. این وضعیت در دوران پس از انقلاب به صورت اساسی تغییر کرده است و اکنون ایران بالاترین درصد دستیابی به آب آشامیدنی سالم را در غرب آسیا دارد؛ به گونه‌ای که طبق آمار وزارت نیرو (تا پایان آذر ۱۴۰۰) طول شبکه آب روستایی اکنون به ۱۸۷ هزار و ۶۸۵ کیلومتر می‌رسد و طول خطوط انتقال آب نیز ۱۱۱ هزار و ۷۷۶ کیلومتر است. همچنین، نزدیک به ۱۰۰ درصد در مناطق شهری و ۸۳ درصد در مناطق روستایی به آب شرب پایدار روستایی دسترسی دارند.

۱۰- دستاوردهای انقلاب اسلامی در حوزه مخابرات و تلفن را توضیح

دهید.

آمار دقیق تلفن‌های کشور در سال ۱۳۵۷، ۸۵۰ هزار شماره بوده است؛ در حالی که براساس آمار سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی، تا پایان سال ۱۴۰۰، تعداد کل تلفن‌های ثابت منصوبه، ۳۷ میلیون و ۸۶ هزار خط است. در همین راستا، تعداد کل خطوط واگذار شده موبایلی بیش از ۱۴۱ میلیون نفر است.

۱۱- دستاوردهای انقلاب اسلامی در حوزه راه و ترابری را توضیح

بفرمایید.

در سال ۱۳۵۷، مجموع راه‌های اصلی و فرعی کشور حدود ۳۶ هزار کیلومتر بود، حال آنکه اکنون، مجموع راه‌های اصلی و فرعی کشور از مرز یک میلیون کیلومتر عبور کرده است. در حوزه روستایی، طول محورهای موجود از ۸ هزار و ۲۰۰ کیلومتر، به ۲۰۵ هزار کیلومتر رشد یافته که این میزان از پیشرفت حاکی از توجه ویژه به محرومیت‌زدایی مناطق روستایی است.^{۱۹}

از سال ۱۲۹۱ که اولین سوت قطار در ایران به صدا درآمد، تا سال ۱۳۵۷ حدود ۴۵۶۵ کیلومتر خطوط ریلی در ایران ساخته شد. این رقم تا سال ۱۳۹۵ به ۱۳۴۳۷ کیلومتر رسیده و براساس سند چشم‌انداز باید به ۱۵۰۰۰ کیلومتر برسد. به عبارتی، متوسط سالانه احداث راه‌آهن در ایران قبل از انقلاب ۸۰ کیلومتر بوده و این عدد پس از انقلاب به ۲۳۳ کیلومتر افزایش یافته است. ساخت اولین مترو در کشور (شهر تهران) و توسعه و تعمیم آن به سایر شهرهای بزرگ، از دیگر توفیقات نظام است که

۱۹. «نیم‌نگاهی به دستاوردهای انقلاب در عرصه راه‌سازی»، در www.yjc.ir، ۱۹ دی ۱۳۹۷.

امروزه سهم قابل توجهی از جابه‌جایی مردم با حداقل هزینه ممکن را به خود اختصاص داده است.

۱۲- دستاوردهای انقلاب اسلامی در حوزه نهضت سوادآموزی را

بیان کنید.

میزان جمعیت باسواد شش ساله و بالاتر کشور، از ۴۷/۲ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۷۹/۵ درصد سال ۱۳۷۵ و به بیش از ۸۰ درصد در سال ۱۳۸۰ رسیده است و در برآورد سال ۱۴۰۰ به عدد ۹۰٫۵ درصد افزایش یافته است. به عبارت دیگر، میزان باسوادی در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی بالغ بر ۴۲٫۵ درصد افزایش یافته است. گفتنی است، در دوران پیش از انقلاب اسلامی، تعداد ۱۵۴ هزار دانشجو در تعداد محدودی دانشگاه یا مراکز آموزش عالی و آن هم در چند کلانشهر کشور تحصیل می‌کردند. بر اساس آمار سال ۱۳۹۹-۱۴۰۰، دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی، بیش از ۳ میلیون دانشجو به تحصیل اشتغال دارند. همچنین طی ۵۰ سال حکومت پهلوی در مجموع ۴۷۰۴۷ باب مدرسه ساخته شده است، در حالی که تنها ۱۲ سال پس از انقلاب با ساخته شدن بیش از ۳۰ هزار مدرسه تعداد مدارس تا سال ۱۳۶۹ به ۷۸۱۹۲ باب رسید.

۱۳- انقلاب اسلامی در حوزه بهداشت و سلامت چه دستاوردهایی

داشته است؟

طی سال‌های اخیر، سازمان بهداشت جهانی دو بار از ایران به منزله موفق‌ترین کشور جهان در کاهش میزان مرگ و میر کودکان قدردانی کرده است. همچنین سازمان بهداشت جهانی، ایران را در سال ۲۰۰۴ موفق‌ترین کشور آسیایی در مقابله با ایدز معرفی کرد. توجه به برخی آمارها در زمینه سلامت، دستاوردهای انقلاب در این حوزه را بیشتر به ما می‌نمایاند:

- پیش از انقلاب، ۳۰ درصد پزشکان ایران وارداتی از بنگلادش، فیلیپین و هند و پاکستان بودند، اما امروز از ۵۳ کشور جهان برای درمان به ایران می‌آیند.
- در ۱۹,۷۳۹ روستای کشور ۳۱ هزار بهورز به عنوان پیشگامان نظام سلامت فعالیت می‌کنند. قبل از انقلاب، خانه‌های بهداشت فقط در ۱۵۰۰ روستا وجود داشته است.^{۲۰}
- با اجرای طرح واکسیناسیون ملی فلج اطفال به همت بسیجیان و پوشش ۹۵ درصدی این واکسیناسیون، تاکنون فلج اطفال از کشور ریشه کن شده و این در حالی است که کشورهای همسایه هیچ یک نتوانسته‌اند این بیماری را ریشه کن کنند.
- بیمارهای عفونی مالاریا، وبا و سل در ایران کنترل شده است.
- برنامه گسترش ایمن‌سازی واکسیناسیون در ایران بالای ۹۷ درصد است.

- در سال ۱۳۵۷ صرفاً با ۷ دانشکده پزشکی، ۷۰۰ دانشجو داشتیم، اما در حال حاضر در ۴۷ دانشگاه، ۱۸۰ هزار دانشجوی گروه پزشکی مشغول تحصیل هستند.
- پوشش ۱۰۰ درصدی بیمه روستاییان افتخار جمهوری اسلامی ایران در بعد عدالت اجتماعی در حوزه سلامت است.
- امروز ایران جزء کشورهای برتر جراحی قلب در دنیا است و جزء معدود کشورهایی است که عمل پیوند قلب در آن صورت می‌گیرد.
- بانک قرنیه در جمهوری اسلامی یکی از بهترین بانک‌های قرنیه جهان است و ظرف ۲۴ ساعت، قرنیه موردنظر بیمار آماده می‌شود.
- آمار رشد ۱۰ برابری پزشکان متخصص، عمومی و دندانپزشک در مقابل رشد ۲/۵ برابری جمعیت ایران در چهل سال گذشته، مثال‌زدنی است. گفتنی است، تعداد کل پزشکان قبل از انقلاب حدود ۱۵ هزار نفر بوده است که اکنون بالغ بر ۱۵۰ هزار نفر است. تعداد پزشکان متخصص نیز پیش از انقلاب ۷ هزار نفر بوده که در چهل سال گذشته به ۷۲ هزار نفر رسیده است.
- ایران در تولید بیش از ۹۵ درصد از داروهای مصرفی خود کفا شده و از صادرکنندگان داروست. قبل از انقلاب فقط ۲۵ درصد داروها آن هم داروهای ساده و دم‌دستی در داخل تولید می‌شد، شرکت‌های دارویی در سال ۱۳۵۷، ۸۵ تا ۱۰۰ درصد به واردات اتکا داشتند.

- جمهوری اسلامی ایران با راه‌اندازی مجتمع ملی تولید فرآورده‌های دارویی نو ترکیب در مقیاس صنعتی در کل منطقه آسیای جنوب غربی، تولیدکننده انحصاری داروهای نو ترکیب به شمار می‌آید.
- به گزارش سازمان بهداشت جهانی، بین ۸۰ تا ۹۴ درصد جمعیت ایران به داروهای ضروری دسترسی دارند.
- پیش از انقلاب، تنها ۳۷ درصد شهرهای کشورهای بیمارستان داشتند که اکنون با وجود افزایش شهرها به میزان سه برابر، ۹۷ درصد شهرها بیمارستان دارند. براساس اطلاعات منتشر شده در سالنامه آماری کشور در سال ۱۳۹۵، ۹۵۴ بیمارستان در کشور وجود دارد که از این تعداد، ۷۶۳ بیمارستان به بخش دولتی و ۱۹۱ بیمارستان به بخش خصوصی تعلق دارد.^{۲۱}
- در ایران آنقدر مرگ و میر مادران بر اثر زایمان کاهش یافته است که این اتفاق نادر زبانه‌زد عام و خاص است. آمار پیش از انقلاب، بالای ۲۰۰ مورد در ۱۰۰ هزار زایمان و در سال ۲۰۱۵ کمتر از ۲۰ مورد در ۱۰۰ هزار زایمان است. گفتنی است، این رقم، پیش از انقلاب برای مرگ و میر کودکان، ۱۱۱ مورد بوده که تا سال ۱۳۸۰، به حدود ۲۸ مورد کاهش یافته است.

۲۱. مرکز آمار ایران، سالنامه‌ی آماری کشور - ۱۳۹۵، فصل ۱۸ (بهداشت و درمان)، ص ۶۸۴.

- ایران در زمره سه کشور پیشرو در پیوند مغز استخوان در جهان قرار دارد. همچنین، ایران در درمان ناباروری رتبه سوم جهان و در ارتوپدی و پیوند اعضا رتبه چهارم را دارد.
- ایران رتبه هفتم دنیا در تولید داروهای موردنیاز بیماری‌های خاص را دارد و رتبه چهارم در درمان ژنتیک. همچنین، ایران جزء پنج کشور برتر جهان در کاشت حلزون شنوایی است.
- قبل از انقلاب تنها در یک رشته فوق تخصص تربیت می‌کردیم، اما اکنون در ۲۷ رشته.^{۲۲}

۱۴- ایران از لحاظ رشد علم و فناوری در زمان شاه در جایگاه بهتری

قرار نداشت؟

پیش از انقلاب در زمینه علم و فناوری در قعر جدول بودیم؛ اما پس از انقلاب تحول بزرگ و خیره‌کننده‌ای ایجاد شد. بر اساس گزارش سایماگو^{۲۳} طی سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۱۵م:

۲۲. «دستاوردهای انقلاب اسلامی در حوزه «سلامت» (نشست شنبه‌های انقلاب)»، در <http://farhangesadid.ir>، ۱۳ آذر ۱۳۹۷.

۲۳. نظام رتبه‌بندی سایماگو از طریق گروه پژوهشی به همین نام در دانشگاه گرانا در اسپانیا انجام می‌شود که براساس تعداد مقالات علمی مؤسسات آموزش عالی کشورهای مختلف موجود در بانک اطلاعاتی اسکوپوس آنها را ارزیابی و رتبه‌بندی می‌کند. این رتبه‌بندی یکی از جدیدترین و جامع‌ترین نظام‌های رتبه‌بندی پژوهشی دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهش‌محور در جهان است. سایماگو شرکتی فناورمحور است که شهرتی جهانی در زمینه تحلیل و ارزیابی اطلاعات علمی دارد. این شرکت که در سال

- رتبه جهانی تولید علم ایران طی سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۱۵م از ۵۳ به ۱۶ در جهان ارتقاء یافته است؛
- رتبه جهانی تولید علم ایران در رشتهٔ انرژی اتمی از ۸۳ به ۱۱ ارتقا یافته است. (افزایش تعداد مقالات از ۱ به ۴۱۸)؛
- رتبه جهانی تولید علم ایران در رشتهٔ نانو و نانوتکنولوژی از ۵۷ جهان به ۱۶ ارتقا یافته است. (افزایش تعداد مقالات از ۱ به ۶۸۷)؛
- رتبه جهانی تولید علم ایران در رشتهٔ بیوتکنولوژی از ۵۶ به ۱۴ جهان ارتقا یافته است. (افزایش تعداد مقالات از ۱۱ به ۶۱۸)؛
- رتبه جهانی تولید علم ایران در رشتهٔ مهندسی هوا و فضا از ۴۳ به ۱۱ جهان ارتقا یافته است. (افزایش تعداد مقالات از ۴ به ۳۴۱)؛
- رتبه جهانی تولید علم ایران در رشتهٔ پزشکی از ۵۴ به ۱۹ جهان ارتقا یافته است. (افزایش تعداد مقالات از ۶۴ به ۳ هزار)؛
- رتبه جهانی تولید علم ایران در رشتهٔ شیمی از ۴۸ به ۱۱ جهان ارتقا یافته است. (افزایش تعداد مقالات از ۷۹ به ۳ هزار)؛
- رتبه جهانی تولید علم ایران در رشتهٔ فیزیک و نجوم از ۶۴ به ۱۹ جهان ارتقا یافته است. (افزایش تعداد مقالات از ۲۱ به ۱ هزار)؛

۲۰۰۸ میلادی به عنوان شرکتی اسپین آف تأسیس شده، همواره ارتباطی تنگاتنگ را با شرکای بین‌المللی در حوزه‌های نشر، تهیه‌کنندگان اطلاعات علمی، دانشگاه‌ها و کارگزاران دولتی داشته است.

- رشد روزافزون و حضور فعال کشور در عرصه‌های علمی به گونه‌ای که تا سال ۱۳۹۱ بیش از ۲۶۱۹۶ اختراع در کشور ثبت شده است؛
- پژوهشگران ایرانی از نظر پژوهشی با ثبت ۸۵۱۳ مقاله علمی، در ردیف شانزدهم تولید علم و در زمره دانشمندان و پژوهشگران ممتاز جهان قرار گرفته‌اند؛
- جمهوری اسلامی ایران در میان ۵۷ کشور اسلامی از لحاظ علمی و پژوهشی و ثبت اختراع در رتبه اول کشورهای اسلامی قرار دارد
- دستیابی به فناوری و دانش کامل چرخه سوخت هسته‌ای و قرار گرفتن در ردیف پنج کشور برتر جهان؛
- ورود موفقیت آمیز و همزمان با سایر کشورهای پیشرفته به عرصه علوم جدید، مانند نانو تکنولوژی که رتبه هفتم جهانی را به خود اختصاص داده و سایر علوم جدید از جمله؛ لیزر، میکرو الکترونیک، ورود به علم ساخت روبات و کسب موفقیت‌های جهانی در مسابقات روباتیک، توسعه سخت‌افزاری و ساخت ابر رایانه، توسعه نرم‌افزاری و بهره‌برداری گسترده از علوم رایانه‌ای در کشور و کسب ۳۶۲ مدال در المپیادهای مختلف علمی جهان؛
- افزایش تعداد پزشکان از ۱۵ هزار نفر پیش از انقلاب به بیش از ۱۱۱ هزار نفر و رفع کامل نیاز کشور به جذب پزشک خارجی؛

- تغییر و تبدیل کشور به قطب منطقه‌ای توریسم سلامت و پذیرش و درمان بیماران خارجی در انواع بیماری‌ها؛
- دستیابی به دانش کشت سلول‌های بنیادین، قرار گرفتن در ردیف کشورهای برتر پیوند کلیه و درمان بیماری‌های چشمی؛
- کسب تجارب ارزشمند برای مقابله با انواع عوارض و بیماری‌های ناشی از عوامل شیمیایی.

۱۵- قدرت نظامی و دفاعی چه اهمیتی برای کشور دارد که جمهوری

اسلامی اینقدر برای آن سرمایه‌گذاری می‌کند؟

در اهمیت قدرت نظامی (دفاعی و تهاجمی) برای نظام جمهوری اسلامی ایران باید به چند نکته بسیار مهم اشاره کرد:

۱۵-۱. منابع قدرت را به دو دسته ملموس (مادی) و ناملموس (معنوی) تقسیم می‌کنند و از جمله منابع محسوس قدرت، توان نظامی، تعداد نظامیان و... است. اهمیت قدرت نظامی نیز به دلیل این است که دولت‌ها در تحلیل نهایی ممکن است برای دفاع از خود به کاربرد نیروی نظامی نیاز پیدا کنند. از سوی دیگر، با تهاجم نظامی بیگانگان به مرزهای یک کشور، در صورت ضعف قدرت نظامی آن کشور، هر چند به لحاظ سایر مؤلفه‌های قدرت از استحکام لازم برخوردار باشد، موجودیت آن در معرض تهدید جدی قرار می‌گیرد. از این رو همه کشورها نسبت به تقویت بنیه نظامی خود اهتمام لازم را دارند.

۱۵-۲. در ارتباط با جمهوری اسلامی ایران، این مسئله از دو جنبه اهمیت مضاعف می‌یابد: اول، قرار گرفتن ایران در منطقه‌ای حساس و دوم، تضادهایی که قدرت‌های بزرگ با نظام جمهوری اسلامی دارند. بنابراین، جمهوری اسلامی باید پیوسته بر توانایی‌های نظامی و راهبردی خود بیفزاید.

۱۵-۳. نگاهی به سهم بودجه دفاعی در بودجه کشور، بیان‌کننده ناچیز بودن سهم مالی حمایت جمهوری اسلامی از مقاومت در منطقه است. در واقع، آنچه در طول سال‌های گذشته، بر مناسبات منطقه‌ای جمهوری اسلامی و حمایت کشورمان از مقاومت منطقه حاکم بوده است بیش از آنکه جنبه مادی و مالی داشته باشد، جنبه معنوی و ارزش سیاسی داشته است. البته این نکته مهم است که اختصاص بخشی از بودجه دفاعی ارزی کشور در مسائل منطقه‌ای و حتی جهانی در راستای دفع تهدیدهای فزاینده امنیت ملی کشور، نه تنها نباید هزینه به شمار آید؛ بلکه نوعی سرمایه‌گذاری برای حفظ و تقویت امنیت و منافع ملی است و امروز خیلی از کشورها، از جمله آمریکا و برخی از قدرت‌های اروپایی در همین راستا برای خود در منطقه غرب آسیا حوزه نفوذ و منافع تعریف می‌کنند. همچنین گفتنی است، اندک هزینه مالی و ارزی در مسائل منطقه‌ای گاهی در حوزه دیپلماسی اقتصادی منجر به آورده‌های چندبرابری ارزی برای ایران می‌شود.

۱۵-۴. آنچه بیش از هر چیزی بر ضرورت تقویت دفاعی می‌افزاید، سابقه تاریخی ملت ایران است که در برهه‌های گوناگون تاریخ معاصر ایران، به دلایل گوناگون و

از جمله ضعف جدی در حوزه قدرت دفاعی، عرصه تاخت و تاز بیگانگان بوده است. از سوی دیگر، یکی از دلایل مهم اینکه در برهه کنونی، با وجود همه تهدیدات دشمنان، آنها به لحاظ واقعی ناتوان از تهاجم نظامی به کشور بوده‌اند، به قدرت دفاعی بازدارنده و راهبردی نظام برمی‌گردد. به بیان دیگر، اهمیت ذاتی این موضوع، تهاجم بیگانگان به کشور در گذشته است که به دلایلی چون ضعف قدرت دفاعی مربوط می‌شد و عینیت داشتن تهدیدات نظامی بیگانگان علیه نظام اسلامی و کشور، ضرورت تقویت و ارتقای توان نظامی کشور را نشان می‌دهد. ضمن اینکه باید توجه داشت، براساس آخرین آمارهای پایگاه‌های بین‌المللی فعال در حوزه تجزیه و تحلیل توان و هزینه‌های دفاعی کشورهای گوناگون جهان، مانند مؤسسه تحقیقات صلح استکهلم (SIPRI)، مرکز مطالعات بین‌المللی و استراتژیک (CSIS) و...، ایران در سطح منطقه، کمترین هزینه‌های دفاعی را دارد.

۱۶- چرا جمهوری اسلامی با قدرت‌های بزرگ سرشاخ می‌شود؟ این

همه دشمنی چه دستاوردی برای ملت داشته است؟

دشمنی بین ایران و آمریکا، از سوی آمریکا شروع شده است؛ ایران ابتدا به ساکن اقدامی علیه آمریکایی‌ها انجام نداده است. ضمن اینکه مشکل آمریکایی‌ها، جمهوری اسلامی نیست. مخالفت و کودتا علیه دکتر مصدق نشان داد، آنها با اصل استقلال و قوی شدن ایران مخالف هستند. بنابراین، اینکه گفته شود «چرا جمهوری اسلامی با قدرت‌های بزرگ سرشاخ می‌شود؟» سؤالی واقعی و دقیقی نیست؛ چرا

که آغازگر دشمنی با مردم ایران، آمریکایی‌ها و اقدامات خصومت‌آمیز آنها بوده است. آمریکایی‌ها به دنبال بازگرداندن ایران به حوزه خود و تسلط مجدد بر کشورمان هستند.

نکته اساسی دیگر که در پاسخ پرسش باید مورد توجه قرار گیرد، کیفیت رابطه قدرت‌های زورگو با سایر ملت‌هاست که براساس سلطه‌گر - سلطه‌پذیر تعریف می‌شود. بنابراین، رابطه با این قبیل کشورها مستلزم پذیرش سلطه آنها بر ابعاد و ساحت‌های گوناگون حیات کشور است. در یک کلام، وابستگی در همه حوزه‌ها، مهم‌ترین پیامد نزدیکی و رابطه با کشورهای زورگوست. بنابراین، اکنون که بیش از چهار دهه از قدرت‌های زورگو تبری می‌جوییم، می‌توانیم دستاوردهای آن را در حوزه‌های متعدد مشاهده کنیم. برای نمونه، دستاورد این امر در حوزه نظامی - دفاعی، دستیابی به توان دفاعی راهبردی و بازدارنده است. در حوزه منطقه‌ای، کسب نفوذ منطقه‌ای در سطح راهبردی است؛ آن هم در شرایطی که در منطقه همواره با مانع‌آفرینی‌های متعدد همین مستکبران مواجه بوده‌ایم. دستیابی به پیشرفت در حوزه هایتک و دانش‌های راهبردی مانند فناوری نانو، فناوری فضایی و سلول‌های بنیادی در حالی که این حوزه‌ها، حوزه انحصاری قدرت‌های بزرگ به شمار می‌آید و اگر از این قدرت‌ها تبری نمی‌جستیم، اجازه نمی‌دادند به سمت دستیابی به این دانش‌ها حرکت کنیم. در حوزه اقتصادی - رفاهی نیز اقدامات فراوانی صورت گرفته و دستاوردهای خوبی حاصل شده است، اما اگر در این حوزه، مانند سایر حوزه‌ها

پیشرفت‌های چشمگیری نداشته‌ایم، دقیقاً به دلیل چشم دوختن به خارج و اتکا نکردن اقتصاد کشور به استعدادهای بی‌شمار داخلی و در یک کلام، تبری نجستن از دشمنان بوده است.

۱۷- چرا جمهوری اسلامی تا این اندازه برای خود دشمن درست

کرد؟ علت این همه دشمنی چیست؟

انقلاب اسلامی با مبانی اسلام ناب از ابتدای پیروزی به ایران قوی می‌اندیشید و برای آن برنامه داشت؛ چون رهبران آن معتقد بودند: «ما یک ایران مستقل و قدرتمند می‌خواهیم... ایران قدرتمند و مستقل، می‌تواند ثبات منطقه را حفظ کند»؛^{۲۴} «اساساً حیات یک ملت و بالندگی یک ملت، وابسته به مؤلفه‌های قدرت آن و به کارگیری در شرایط لازم و بهنگام است... اگر ملتی قوی نباشد، باج‌گیران عالم از او باج می‌گیرند، اگر بتوانند به او اهانت می‌کنند و زیر پا او را لگد می‌کنند».^{۲۵}

جمهوری اسلامی ایران در راستای این اندیشه، از همان ابتدا گام‌های ایران قوی را در همه عرصه‌های نظامی، اقتصادی، سیاسی، علمی و فرهنگی و... برداشت، اما غرب و آمریکا طی چهار دهه انقلاب اسلامی برای تضعیف ایران و جلوگیری از قوی شدن لحظه‌ای بیکار ننشست، جنگ را تحمیل کرد، شورش‌ها و تحرکات تجزیه‌طلبان را دامن زد، به ترور و خرابکاری کمک کرد و شدیدترین و

۲۴. استقلال سیاسی از نگاه امام خمینی، زهرا مصطفوی، کد مطلب ۱۶۶۲۷۸، تاریخ ۱۳۹۷/۰۴/۳۰.

۲۵. بیانات امام خامنه‌ای در صحن جامع رضوی، ۱۳۹۳/۱/۱، دسترسی در [https://farsi.khamenei.ir/speech-](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=25993)

بی سابقه‌ترین تحریم‌های اقتصادی، سیاسی و علمی را بر ایران اعمال کرد. با این همه، جلوی پیشرفت و قوی شدن ایران را نتوانست بگیرد. به میزان قوی شدن ایران، آمریکا و برخی دولت‌های اروپایی تهدیدات و فشارهای خود را هم بیشتر و متنوع‌تر کردند. برای جلوگیری از پیشرفت ایران در حوزه هسته‌ای صلح‌آمیز، همه فشارها را وارد کردند و هفت قطعنامه به سازمان ملل بردند؛ اما در نهایت غنی‌سازی ایران را به رسمیت شناختند؛ چون قدرت از بین بردن آن را نداشتند. «اوباما» رئیس‌جمهور آمریکا با وجود اعمال تحریم‌های فلج‌کننده گفت: «اگر می‌توانستیم، همه پیچ و مهره‌های هسته‌ای ایران را باز می‌کردیم.»^{۲۶} با وجود این، پس از توافق برجام، اوباما نقض عهد کرد و قانون «داماتو» را با نام «ایسا» تمدید ده ساله کرد.

با روی کار آمدن ترامپ، فشارها بیشتر شد و با خروج از برجام تحریم‌های حداکثری را با انگیزه وادار کردن ایران به کنار گذاشتن برنامه غنی‌سازی، برنامه موشکی و پیگیری سیاست‌های منطقه‌ای مستقل اعمال کرد. در واقع، برنامه موشکی و پهپادی ایران به سبب افزایش قدرت بازدارندگی ایران ایجاد شده بود، اما فشارها همچنان ادامه دارد و بایدن، رئیس‌جمهور دموکرات آمریکا نیز آن را با شدت دنبال می‌کند. در سایر حوزه‌های علمی نیز که قدرت‌ساز برای ایران هستند، تحریم، محرومیت و ترور صورت می‌گیرد و با استفاده از ابزار تطمیع تلاش دارند دانشمندان

۲۶. باراک اوباما، «متن تفصیلی جلسه گفت‌و شنود رئیس‌جمهور آمریکا در مرکز سابان مؤسسه بروکینگز»، دسترسی در:

<https://www.javanonline.ir/fa/news/625189>، ۱۷ آذر ۱۳۹۲.

ایرانی را به خروج از کشور ترغیب کنند. غربی‌ها و صهیونیست‌ها به این واقعیت پی برده‌اند که توانمندی‌های رو به رشد ایران به گونه‌ای است که با ابزارهای نظامی و اقتصادی قابل مهار نیست. برای نمونه، به این بیان کارشناس و تحلیلگر نظامی روزنامه صهیونیستی «معاریو» بنگرید:

مثلاً غربی، عربی و عبری برای جلوگیری از قدرت‌یابی منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران، انواع فشارها و جنگ‌های نیابتی راه انداختند. از نظر آنها پیشرفت قدرت نرم ایران در منطقه غرب آسیا که به قلب جهان معروف است، موازنه قدرت را به هم خواهد زد و شرایط تبدیل شدن به قدرت فرامنطقه‌ای به دست خواهد آورد. با این همه، واقعیت امر این است که نگرانی، ترس و واهمه دولت‌های غربی و عبری این است که ایران قوی مستقل مبتنی بر اسلام ناب، قدرتی در مقیاس جهانی است. ترس آنها از ایران قوی سبب شد تا در تمام سال‌های پس از انقلاب علیه جمهوری اسلامی ایران اقدام کنند. در حوادث و اغتشاشات اخیر نیز غرب سردمداری و رهبری اغتشاشات را برعهده داشت و «عمله، مزدوران، حقوق بگیران آنها، بعضی از ایرانیان خائن هم که در بیرون کشور هستند، به اینها کمک کردند.»

۱۸- چرا با رژیم صهیونیستی رابطه دوستی برقرار نمی‌کنیم؟ آیا این

تصمیم مشکل اقتصادی کشور را حل نمی‌کند؟

۱۸-۱. هدف اصلی این سؤال این است که جمهوری اسلامی ایران از تخاصم با رژیم صهیونیستی، به همکاری برسد؛ یعنی همان کاری که بعضی دولت‌های عربی

کردند. اگر ما به چنین وضعیتی برسیم، در واقع پای ورقه فروپاشی موقعیت منطقه‌ای خودمان را امضا کرده‌ایم. بر فرض محال، اگر ما چنین کاری بکنیم، به این معناست که جمهوری اسلامی نتوانسته است در عرصه بین‌المللی، معادله و گفت‌وگو با مد نظر خود را به سرانجام برساند و در نهایت در مقابل حریف تسلیم شده است. این وضعیت به شدت امنیت ملی و منافع ملی ایران را به خطر می‌اندازد. نتیجه آن این است که بعضی از دولت‌های دیگر - شامل عربستان و ترکیه - را نیز به فکر گرفتن امتیاز مشابه از ایران می‌اندازد. همین الان روابط ایران با این دو کشور، در وضعیت تشری قرار دارد و ایران با استقامت خود توانسته در محیط منطقه‌ای - یمن و سوریه - از این دو کشور سرپل‌هایی بگیرد. همه می‌دانند که بخشی از اقتدار منطقه‌ای ایران مرهون پایداری بر اصول و وفادار ماندن به دولت‌ها، جنبش‌ها و شخصیت‌های دوست خود در منطقه است. در این میان فلسطین به صورت کلمه رمز و نخ تسبیح در روابط بین ایران و دوستان منطقه‌ای آن عمل می‌کند. پاپس کشیدن ایران از حمایت از فلسطینی‌ها، این کلمه رمز را از بین می‌برد و این نخ تسبیح را پاره می‌کند.

۱۸-۲. مهم‌تر از همه اگر از منظر مسائل جاری هم به موضوع ایران و رژیم صهیونیستی بنگریم، ترک محاصره و حتی برقراری رابطه با رژیم صهیونیستی، کمکی به حل مشکلات اقتصادی ایران نخواهد کرد. دلیل و شاهد این واقعیت کشورهای منطقه است که با وجود عادی‌سازی مناسب با رژیم صهیونیستی یا به رسمیت شناختن این رژیم غاصب هیچ‌گونه تأثیر مثبتی در حوزه اقتصاد و معیشت

این کشورها نداشته و نخواهد داشت. به طور مشخص کشور اردن را می‌توان مثال زد. اردن در رابطه با این رژیم حتی بخشی از خاک خود را هم به صهیونیست‌ها داد و آن را به رسمیت شناخت و به موازاتش روابط دوستانه‌ای با تل‌آویو برقرار کرد؛ اما تاکنون نه تنها مشکل اقتصادی‌اش حل نشده است، بلکه با جدی‌ترین چالش‌های اقتصادی و معیشتی روبه‌روست؛ به حدی که بیشترین میزان بیکاری در جهان عرب را به خود اختصاص داده است.

کشور مصر نمونه ملموس دیگری است. قاهره در زمان «انور سادات» چهل و سه سال پیش (۱۷ سپتامبر ۱۹۷۸م) در کمپ دیوید صلح بزرگ خود با رژیم صهیونیستی را امضا کرد و حاکمیت رژیم صهیونیستی را به رسمیت شناخت، اما وضعیت اقتصادی آن هیچ تغییری نکرد. اکنون مصر بالاترین میزان فقر در میان کشورهای خاورمیانه را دارد و بدهی‌های خارجی آن بسیار زیاد است. مراکش و تونس در زمان بن‌علی را هم می‌توان به این مثال‌ها افزود. این کشورها هم با وجود تلاش برای به رسمیت شناختن رژیم صهیونیستی و به صفر رساندن تنش با این رژیم، همچنان با مشکلات اقتصادی درگیرند.

۱۸-۳. اگر منظور نهفته در این سؤال این باشد که خصومت ایران با رژیم صهیونیستی علت اصلی دشمنی کشورهای غرب با ایران است، این هم تا حد زیادی خطای شناختی است. غرب و دنباله‌های منطقه‌ای آن اساساً با «ایران قدرتمند» مشکل دارند و میدان منازعه آنان، «قدرت ایران» است که جلوه‌های آن را در پیشرفت

تکنولوژیک ایران - به ویژه در تکنولوژی‌های تک هسته‌ای، پیشرفت صنایع نظامی ایران به ویژه موشک‌های بالستیک، موفقیت در مقابله با تروریسم، جایگاه معنوی ایران در منطقه، قوانین هویت‌ساز اسلامی، اقتدار ولایت فقیه و تبدیل شدن به عامل وحدت و تمدن نوین جهان اسلام مشاهده می‌کنیم.

از قضا بیشتر کشورهای اروپایی و بیشتر کشورهای غرب آسیا، در باطن خود با قرار داشتن ایران در مقابل رژیم رژیم صهیونیستی موافقت؛ چرا که اروپایی‌ها نیز از مداخلات یهودی‌ها در امور دولت‌های خود ناراضی هستند. کشورهای منطقه نیز اقتدار رژیم صهیونیستی را به نفع خود نمی‌دانند. هیچ تردیدی وجود ندارد که اقتدار رژیم صهیونیستی به نفع مصر، عربستان، ترکیه و روسیه نیست. بنابراین، مسئله غرب با ایران بیش از هر موضوع دیگر، «اقتدار ایران» است.

۱۹- دلایل انزوای جمهوری اسلامی در عرصه بین‌الملل چیست؟

۱۹-۱. انزوا اول در محیط منطقه‌ای شکل می‌گیرد و سپس به محیط بین‌المللی راه می‌یابد. در حال حاضر، ایران در محیط منطقه‌ای اش چه وضعیتی دارد؟ دشمنان و رقبای ایران چه وضعیتی دارند؟ ایران در محیط منطقه‌ای ابتدا با افغانستان، ترکمنستان، روسیه، آذربایجان، ترکیه، عراق، کویت، بحرین، قطر، عربستان، امارات، عمان و پاکستان همسایگی دارد و در مرتبه دوم با کشورهای چین، سوریه، لبنان، یمن، تاجیکستان، هند، قزاقستان، ازبکستان، گرجستان و فلسطین در وضعیت همسایگی قرار می‌گیرد. این مجموعه، ۲۳ کشور را شامل می‌شود. ایران از مجموعه

این ۲۳ کشور، با دو کشور عربستان و بحرین در وضعیت قطع روابط سیاسی است. در همان حال در این دو مورد هم، این دو کشور به مذاکره با ایران و از سرگیری روابط سیاسی تمایل دارند. پنج دور مذاکرات ایران و عربستان در بغداد بر این اساس شکل گرفته است و ایران به دلایلی، فعلاً به درخواست بحرین برای از سرگیری رابطه سیاسی پاسخ نداده است. در این بین، ما با هشت کشور - روسیه، چین، عراق، افغانستان، سوریه، یمن، لبنان و فلسطین - در وضعیت «رابطه راهبردی» هستیم و با پنج کشور - ترکیه، قطر، عمان، پاکستان و هند - در وضعیت «رابطه دوستانه» قرار داریم و با هشت کشور دیگر در وضعیت «رابطه مناسب» و غیرخصمانه هستیم. ایران با یک از این ۲۳ کشور در حال جنگ نیست و با آنها سیاست افزایش روابط سیاسی و اقتصادی را دنبال می کند.

۲- ۱۹. «ایران منزوی است»، ادبیاتی آمریکایی است. آمریکایی ها برای جا انداختن این ادبیات می گویند ایران در مقابل «جامعه بین المللی» قرار دارد و انگار جامعه بین المللی معادل جهان است! در حالی که جامعه بین المللی مدنظر ایالات متحده عبارت است از: آمریکا، انگلیس، فرانسه و آلمان. اما حتی در همین هم دروغ پردازی آمریکا عیان است؛ چرا که ایران با آلمان، فرانسه و انگلیس رابطه سیاسی دارد و آمریکایی ها هم به شدت پیگیر برقراری دوباره رابطه سیاسی با ایران هستند.

۱۹-۳. ادبیات انزوا و نیز ادبیات تحریم اقتصادی، کارآیی خود را از دست داده است؛ چرا که جهان از وضع یکپارچه دوران ۴۳ ساله جنگ سرد خارج شده و آماده تغییر بنیادین در نظام بین‌الملل شده است. در چنین فضایی، «جبهه مقاومت» به ایران فرصت بی‌بدیلی داده است. جغرافیایی پیوسته از دریای عمان تا دریای مدیترانه، با منابع سرشار و جمعیت زیاد و تجربه حل مسائل پیچیده امنیتی و متکی به میراث عظیم معنوی اسلام، مانع به نتیجه رسیدن سیاست انزوای ایران شده است. این مقبولیت ایران در یمن است که بن‌سلمان را به سمت مذاکره با ایران کشانده است. این مقبولیت ایران در افغانستان است که سبب پذیرش ملاحظات سیاسی ایران درباره حکومت آینده افغانستان از سوی همسایگان شده است. این مقبولیت ایران در عراق است که مانع به نتیجه رسیدن توطئه پیچیده غربی - عربی علیه حکومت این کشور شده است و مقبولیت سیاست‌های ایران است که دو قدرت محوری نظام آینده جهانی، یعنی روسیه و چین را به سمت بستن قراردادهای سنگین اقتصادی و توافقات راهبردی امنیتی با ایران سوق داده است. همچنین، این مقبولیت ایران است که اجرا و به نتیجه رساندن سیاست‌های ویرانگر غرب علیه سوریه و لبنان را با دشواری بسیار مواجه کرده است.

۱۹-۴. اگر ایران منزوی بود، امکان نداشت از زیر فشار شدید تحریم‌های بی‌سابقه اقتصادی بیرون بیاید. چرا سیاست‌های شدیداً ضدایرانی آمریکا، نتوانست جمهوری اسلامی را به امتیازدهی متقاعد کند؟ اگر ایران از مقبولیت خود نزد روس‌ها،

عراقی‌ها، ترک‌ها، افغان‌ها و... استفاده نکرده بود، چگونه می‌توانست تحریم‌های فزاینده را خنثی کند؟ این روابط سبب شد درآمد ارزی ایران در اوج فشارهای بین‌المللی، از ۶۰ میلیارد دلار در سال تنزل نکند.

۲۰- حضور ایران در عراق، یمن و سوریه چه دستاوردی داشته است؟

چرا این پول‌ها به جای خرج کردن برای عرب‌ها، صرف آبادانی

کشور نمی‌شود؟

۱-۲۰. کمک‌های ایران به جبهه مقاومت در حدی نبوده که قطع و کاهش آن تأثیر مهمی بر روند مقاومت منطقه‌ای بگذارد. همان‌طور که گفته شد، نگاهی به سهم بودجه دفاعی در بودجه کشور، ناچیز بودن سهم مالی حمایت جمهوری اسلامی از مقاومت در منطقه را نشان می‌دهد. بنابراین، در طول سال‌های گذشته، حمایت کشور از مقاومت منطقه بیش از آنکه جنبه مادی و مالی داشته باشد، جنبه معنوی و سیاسی داشته است.^{۲۷}

۲-۲۰. «نباید در خانه با دشمن جنگید»، یک اصل مهم در امنیت ملی و دفع تهدیدات است. جمهوری اسلامی ایران با حضور به موقع مستشاری و کمک به مردم سوریه و عراق با گروه‌های تروریستی مقابله کرد. اگر این اقدام با تلاش نیروی قدس سپاه صورت نمی‌گرفت، با قدرتی که داعش در اوایل ظهور گرفته بود، خطرهای بسیار مهمی منطقه و ایران اسلامی را تهدید می‌کرد؛ زیرا داعش با به دست

۲۷. سعدالله زارعی، دخل و خرج ما در منطقه، قم: پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق، ۱۴۰۱، ص ۳۲.

گرفتن قدرت در عراق و سوریه به یک دشمن قدرتمند و سرسخت علیه ملت ایران تبدیل می‌شد و جمهوری اسلامی ایران مجبور بود در مرزهای خود با آنها مقابله کند. سردار محمد علی جعفری، فرمانده سابق سپاه در این زمینه اظهار میکند: «داعشی‌ها بخش عظیمی از عراق، از جمله قسمتی از خاک کردستان و شهر بزرگ موصل را تصرف کرده بودند و به مرزهای ایران نزدیک شده بودند، حضور مستشاری ایران در جبهه مقاومت با داعش عملی پیش‌دستانه بود.»

۳- ۲۰. هزینه کرد ایران در کشورهای منطقه، زمینه‌ساز جذب بازار تجاری این کشورها برای جمهوری اسلامی است. اگر این هزینه کرد نبود، ایران نمی‌توانست در بازار کشورهای منطقه حضور چندانی داشته باشد. برای نمونه، سهم ایران در بازار ۶۰ میلیارد دلاری پاکستان کمتر از یک درصد در سال است^{۲۸}؛ حال آنکه سهم ایران در بازار افغانستان - که کشور فقیرتری از پاکستان است - ۳/۸ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۱م و سال‌های پیش از آن بوده است. درباره عراق، طی پنج سال گذشته سالانه حدود ۱۲ میلیارد دلار بوده است. بنابراین، هزینه کرد ایران در جبهه مقاومت نوعی سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت، میان‌مدت و درازمدت به نفع جمهوری اسلامی است.

۲۸. محمدحاجی آقازاده رودسری، رئیس کمیسیون اقتصادی اتاق مشترک ایران و پاکستان، سایت اکوایران، دسترسی در

۴-۲۰. مشکل اقتصادی ایران اصولاً به ساختار اقتصادی آن بازمی‌گردد و نه به روابط خارجی آن. بسیاری از اقتصاددانان بی‌طرف بارها اعلام کرده‌اند، درآمد اقتصادی لزوماً به بهبود وضعیت اقتصادی یک کشور منجر نمی‌شود. این اقتصاددانان به سال‌هایی اشاره می‌کنند که مشکلات اقتصادی ایران با وجود درآمدهای هنگفت ناشی از فروش نفت، بهبود نیافته و افزایش درآمدهای ناشی از فروش نفت، خود عامل به‌هم‌ریختگی بیشتر اقتصاد کشور بوده است. مشکل اقتصادی ایران این است که درآمدهای کشور، صرف اصلاح و فعال‌سازی زیرساخت‌ها نمی‌شود و در بودجه جاری کشور مستهلک می‌شود. مشکل اقتصادی ایران این است که برای نمونه، سهم بودجه عمرانی کشور در بودجه حدود ۵۰ میلیارد دلاری سال ۱۴۰۰، بیش از ده میلیارد دلار نبوده است. بودجه دفاعی کشور، اعم از حقوق کارکنان، اقدامات دفاعی در داخل کشور و مبالغی که در مسائل منطقه‌ای هزینه شده است، درصد کمی از درآمدهای کشور به شمار می‌آید. این در حالی است که دفع تهدیدات و تولید امنیت فزاینده در عرصه منطقه‌ای و جهانی اساساً موضوعی هزینه‌بر و البته نشان‌دهنده قدرت دفاعی و نظامی است. با فرض امکان‌پذیر بودن حذف بودجه سازمان‌های نظامی، به دلیل درصد پایین آن نمی‌توانست اثر زیادی در بهبود اقتصادی کشور داشته باشد.^{۲۹}

۲۹. خیرگزاری تسنیم، «گزارش از بودجه دفاعی ۱۴۰۰»، دسترسی در

<https://www.tasnimnews.com/fa/news/2402166>، ۱۲ آذر ۱۳۹۹.

کشورهایی که ما را به صرف هزینه‌های زیاد در امور منطقه‌ای متهم می‌کنند، خودشان صدها برابر ایران، در امور منطقه هزینه می‌کنند. برای نمونه، «ملک عبدالله» پادشاه سابق عربستان اعلام کرده بود حاضر است برای تغییر نظام سوریه ۲۰۰ میلیارد دلار هزینه کند.^{۳۰} یا کشوری، مانند امارات که هیچ جایگاه تمدنی در منطقه و جهان ندارد، برای تغییر روند سیاسی سودان، لیبی، تونس، الجزایر، یمن، عراق و... سالانه ده‌ها میلیارد دلار هزینه می‌کند.^{۳۱}

۲۱- چرا «قطع نفوذ خارجی» را یکی از دستاوردهای انقلاب اسلامی

به حساب می‌آورید؟ آیا جمهوری اسلامی واقعاً کشوری مستقل است؟

یک ویژگی پایدار در تاریخ تحولات سیاسی - اجتماعی معاصر ایران دخالت، نفوذ و تهاجم خارجی بوده است که نقض تمامیت ارضی و هویت سرزمینی ایران را در پی داشته است. شکست ایران در جنگ‌های اول و دوم ایران و روس در عهد قاجار، سرآغازی برای نفوذ و دخالت بیگانگان در تعیین مقدرات ملت ایران بود.

انقلاب مشروطه نقطه عطفی در بسط نفوذ روس و انگلیس در ایران بود. این انقلاب منجر به قدرت‌گیری روشنفکران فراماسون سکولار وابسته به انگلیس شد و این به معنای کاهش قدرت دربار در حیات سیاسی ایران و به تبع آن، کاهش نفوذ روس‌ها

۳۰. ر.ک. خبرگزاری ایرنا، «بررسی هزینه سیاست‌های سعودی در منطقه و یمن»، دسترسی در

<https://www.irna.ir/news/84481325>، ۲ مهر ۱۴۰۰.

۳۱. ر.ک. یاسر عبدالعزیز، «سیاست سراسر مخرب امارات در منطقه»، دسترسی در

<http://irdiplomacy.ir/fa/news/1993843>، ۱۴ مرداد ۱۳۹۹.

در ایران بود. بنابراین، روس‌ها با انقلاب مشروطه در ایران مخالفت کردند؛ به گونه‌ای که مجلس اول مشروطه را به توپ بستند. روس‌ها در اقدام بعدی خود با اولتیماتوم به دولت ایران برای اخراج مستشار آمریکایی، مورگان شوستر از ایران، دولت ایران را تحت فشار قرار دادند و عملاً موجب تعطیلی مجلس دوم مشروطه شدند. روس و انگلیس در اقدام بعدی خود، با انعقاد قرارداد ۱۹۰۷ ایران را به سه منطقه تقسیم کردند و سپس با انعقاد قرارداد ۱۹۱۵، نیروهای قزاق تحت رهبری روسیه و پلیس جنوب تحت رهبری انگلیس را برای حفاظت از منافع خود در ایران تشکیل دادند.

در مقطع بعدی، دخالت بیگانگان موجب روی کارآمدن حکومت دیکتاتوری رضاخان پهلوی شد که در واقع، همه دستاوردهای انقلاب مشروطه را از بین برد و آنگاه که در جریان جنگ جهانی دوم، رضا شاه اندکی از خود استقلال عمل نشان داد، وی را برکنار و پسرش را به جای وی به سلطنت نشانند و حتی خاک ایران را اشغال کردند. جالب آنکه در همان زمان، کنفرانس تهران با حضور سران آمریکا، شوروی و انگلیس، یعنی روزولت، استالین و چرچیل برای تعیین خروج از ایران و همچنین تعیین ترتیبات حاکم بر جهان پس از پایان جنگ جهانی دوم تشکیل شد. گفتنی است، در حالی که طبیعتاً دولت ایران باید در این کنفرانس یک طرف مذاکره باشد، آنها حتی اجازه ندادند شاه ایران در این مذاکرات شرکت کند و در جریان روند مذاکرات قرار بگیرد. با وجود این، متفقین نیروهای خود را حتی پس از

پایان جنگ تا مدت‌ها در خاک ایران نگه داشتند.^{۳۲} در دوره ملی شدن صنعت نفت هم آنگاه که دکتر مصدق می‌رفت تا ضربه کاری خود را بر پیکر امپراتوری انگلیس وارد آورد، با تحریم نفتی غربی‌ها و شوروی مواجه شد و سرانجام با کودتایی که عوامل سازمان سیا و با هماهنگی‌های صورت گرفته میان آمریکا و انگلیس صورت گرفت، حکومت مردمی دکتر مصدق سرنگون شد.

از این زمان به بعد، نفوذ آمریکا در ایران به طور بی‌سابقه‌ای افزایش می‌یابد؛ به گونه‌ای که ایران به عضویت پیمان سنتو درآمده و پس از آن، قرارداد دوجانبه دفاعی میان ایران و آمریکا منعقد می‌شود. از این پس، در چارچوب دکترین دوستونی نیکسون - کیسینجر، نقش ژاندارمی منطقه از سوی آمریکا به ایران واگذار می‌شود و در واقع، ایران به عاملی برای تأمین منافع آمریکا در منطقه تبدیل می‌شود که حاصل این امر برای ایران، جدایی بحرین و ادعاهای امارات درباره جزایر سه گانه ... است.

آمریکا پس از این و در حالی که حوادث انقلاب اسلامی در ایران اوج گرفته بود، از اقدامات وحشیانه دژخیمان رژیم شاه حمایت می‌کرد؛ به گونه‌ای که «کارت» رئیس جمهور آمریکا از اقدامات سرکوبگرانه رژیم شاه در به خاک و خون کشیدن قیام ۱۷ شهریور مردم تهران حمایت کرد. کارت در اقدام بعدی خود از

۳۲. عبدالرضا هوشنگ مهدوی (۱۳۹۶)، تاریخ روابط خارجی ایران (از ابتدای دوران صفویه تا پایان جنگ دوم جهانی)،

چاپ بیست و یکم، تهران: امیرکبیر، ص ۴۰۰-۳۸۰.

نخست‌وزیری بختیار حمایت کرد و حتی از سوی آمریکا ژنرال هایزر روانه تهران می‌شود تا برای حفظ ساختار ارتش و نهاد سلطنت در ایران، کودتایی در ایران انجام دهد که موفق نمی‌شود. بنابراین، مشخص است که پیش از انقلاب اسلامی، ایران به راحتی مورد تاخت و تاز قرار می‌گیرد و حالت حیاط خلوتی را داشته که قدرت‌های خارجی هر گاه می‌خواستند، تحولات موردنظر خود را در آن شکل می‌دادند.

اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی بلافاصله عضویت ایران در پیمان سنتو ملغی و پیمان دوجانبه دفاعی با آمریکا نیز باطل اعلام شد. همچنین، پایگاه‌های استراق سمع آمریکا در داخل خاک ایران در مجاورت شوروی برچیده شد و در ارتباط با شوروی نیز انقلابیون مواد ۵ و ۶ قرار داد مودت را ملغی اعلام کردند. قرارداد ۱۹۲۱ (قرارداد مودت) میان ایران و شوروی بود که مواد ۵ و ۶ آن مقرر می‌داشت، چنانچه در داخل خاک ایران تهدیدی متوجه شوروی شود، این کشور می‌تواند خود رأساً برای رفع تهدید دست به کار شود. همین مواد، ابزار بسیار مستحکمی برای فشار شوروی بر دولت ایران بود؛ رضاشاه و پسرش کوشش کردند تا این مواد را لغو کنند که نتوانستند، اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی این مواد با قاطعیت ملغی اعلام شد. ۳۳.

۳۳. روح‌الله رضانی (۱۳۹۲)، چارچوبی تحلیلی برای بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، ترجمه علیرضا

طیب، چاپ هفتم، تهران: نی، ص ۱۵۰.

با وجود آغاز جنگ تحمیلی عراق علیه نظام نوپای اسلامی و با شروع حرکت‌های تجزیه‌طلبانه متعدد در داخل کشور، از جمله در کردستان، گنبد، سیستان و خوزستان، نه تنها وجبی از خاک ایران جدا نشد و به تصرف دشمن در نیامد؛ بلکه به واسطه الطاف خداوند و حضور مردم در صحنه، به ویژه جانفشانی پاسداران سپاه اسلام، نه تنها همه آن توطئه‌ها دفع شد؛ بلکه جمهوری اسلامی ایران در جنگی نابرابر به پیروزی هم نایل شد.

در وضعیت کنونی نیز، با عنایات پروردگار، جمهوری اسلامی ایران به حدی از اقتدار و توان رسیده است که هیچ قلدری فکر تجاوز و خدشه‌دار کردن ثبات، استقلال و تمامیت ارضی کشور را به سر خود راه نمی‌دهد و این همه حاصل تشعشع امواج نورانی و حیات‌بخش انقلاب اسلامی ایران است که در داخل کشور تأییدن گرفته و اینگونه مایه عزت برای اسلام و ایران شده است. اهمیت این برکت بیش از هر عاملی به دلیل آن است که درست در وضعیت ناپایدار و ناامن محیط منطقه‌ای و وجود خصومت‌های متعدد بین‌المللی، انقلاب اسلامی با اتکا به توان و ظرفیت‌های داخلی توانسته است با قطع نفوذ خارجی، ثبات، امنیت و تمامیت ارضی مستحکم خود را تأمین کند.

۲۲- انقلاب اسلامی چه دستاوردی برای زنان در جامعه ایران داشته

است؟

مشخص شدن جایگاه واقعی زن مسلمان در خانه و اجتماع یکی از دستاوردهای فرهنگی انقلاب بود. با توجه به خودباختگی فرهنگی و رواج ارزش‌های غربی در عصر پهلوی، هویت اسلامی زن مسلمان ایرانی مورد تهدید واقع شده بود. در جامعه به تدریج فرهنگ برهنگی و بی‌عفتی رواج می‌یافت و از فعالیت‌های اجتماعی و مفید زنان کاسته می‌شد. پس از انقلاب اسلامی، جایگاه زن در جامعه اسلامی تبیین شد و همانگونه که زنان در جریان پیروزی انقلاب فعالیت داشتند، پس از انقلاب، به جایگاه واقعی که مسئولیت در برابر مصالح اجتماعی و سیاسی جامعه و حضور فعال در صحنه‌های گوناگون بود، دست یافتند. در این زمینه توجه به چند آمار جالب توجه است:

* در حوزه آموزش و پرورش، میزان باسوادی زنان در ۴۰ سال اخیر، ۲/۵ برابر شده است؛ یعنی از ۳۵ درصد در سال ۱۳۵۵، به ۸۴/۲ درصد در سال ۱۳۹۵ رسیده است. در همین زمینه، باید به کاهش میزان بازماندگی از تحصیل در میان دختران اشاره کرد؛ در سال ۱۳۵۵، این میزان برای دختران، ۳۸/۶ درصد بوده که در سال ۱۳۹۵، به سه درصد رسیده است.

* نسبت زنان عضو هیئت علمی و دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی در سال تحصیلی ۱۳۵۹-۱۳۵۸، ۱۴ درصد در سال ۱۳۶۶-۱۳۶۵، ۱۵ درصد در سال ۱۳۷۶-۱۳۷۵، ۱۶ درصد و در سال ۱۳۸۶-۱۳۸۵، ۲۰ درصد بوده است. این در حالی است که تعداد زنان عضو هیئت علمی از سال تحصیلی ۱۳۷۶-۱۳۷۵ تا سال تحصیلی ۱۳۹۶-۱۳۹۵،

از ۳۵۰۸ نفر به ۲۰۲۹۸ نفر رسیده؛ یعنی شش برابر افزایش داشته است و به ۲۴/۷ درصد رسیده است.^{۳۴} برای سال تحصیلی ۱۳۹۸-۱۳۹۹ این میزان به ۲۴ هزار و ۳۳۴ عضو هیئت علمی خانم رسید، نکته مهم اینکه در همان سال مجموع ۸۸ هزار و ۲۵۰ عضو هیئت علمی در کشور داشتیم.

* درصد مدیران، قانون‌گذاران و کارکنان عالی رتبه از کل شاغلان برای زنان از ۳/۳ درصد در سال ۱۳۵۵، به ۱۷/۳ درصد در سال ۱۳۹۵ رسیده؛ یعنی حدود شش برابر افزایش داشته است. در همین راستا، گفتنی است، میزان زنان شاغل دارای تحصیلات عالی ۵/۲ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۴۶/۹ درصد در سال ۱۳۹۵ رسیده است. همچنین، ضریب نفوذ بیمه تأمین اجتماعی در میان زنان شاغل، از ۱۲/۵ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۷۷/۴ درصد در سال ۱۳۹۵ رسیده است.^{۳۵}

* در حوزه ورزشی نیز تعداد رشته ورزشی بانوان از هفت رشته از سال ۱۳۵۷ به ۳۸ رشته در سال توسعه یافته است. تعداد مربیان ورزشی رشد نجومی داشته و از ۹ نفر به ۳۵ هزار مربی زن افزایش داشته است؛ تعداد داور زن نیز از هفت نفر به ۱۶ هزار نفر رسیده است. همچنین، تعداد ورزشگاه‌های اختصاصی بانوان پس از انقلاب ۳۰ برابر شده است و حضور زنان در مسابقات خارجی قبل از انقلاب تنها شش مورد

۳۴. معاونت رئیس‌جمهور در امور زنان و خانواده (۱۳۹۷)، «تحولات جامعه زنان ایران به مناسبت چهلمین سال پیروزی

انقلاب اسلامی»، ص ۱۷، دسترسی در <http://women.gov.ir>

۳۵. همان، ص ۳۶.

بوده که پس از انقلاب به ۱۲ هزار نفر افزایش یافته است. فراتر از این، دستاوردهای معنوی زنان در حوزه ورزش است؛ به گونه‌ای که امروز تمامی زنان ورزشکار کشورمان در میدین گوناگون، با حفظ حجاب بومی خود حاضر می‌شوند و از این نظر، به الگویی برای جهانیان تبدیل شده‌اند. جالب آنکه در سال ۲۰۰۹ تنها زنان ورزشکار کشورمان در مسابقات آسیایی با حجاب شرکت کردند که در سال ۲۰۱۱ ترکیه و پس از آن در سال ۲۰۱۷ سوریه، عراق، ترکیه، اندونزی و سایر کشورها با پوشش اسلامی در مسابقات حضور پیدا کردند.^{۳۶}

۲۳- چرا با گذشت چهل سال از پیروزی انقلاب اسلامی، هنوز

نتوانسته‌ایم از خام‌فروشی نفت رهایی پیدا کنیم؟

اگرچه ایران همچنان در ردیف صادرکنندگان نفت خام به شمار می‌آید، در مقایسه با پیش از انقلاب اسلامی که روزانه ۶ میلیون بشکه نفت صادر می‌شد، اکنون وابستگی کشور به خام‌فروشی نفت بسیار کمتر شده است. رشد صادرات غیرنفتی ایران از ۵۴۰ میلیون دلار در سال ۱۳۵۶ به حدود ۴۰ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۶ رسید. بالاترین آمار صادراتی در سال ۱۳۹۸ که با حدود ۴۱ میلیارد دلار رقم خورد، تداوم و پایداری این وضعیت را نشان داد؛ اما در هشت ماه سال جاری که حجم تجارت غیرنفتی به رقم ۶۹ میلیارد و ۴۰۰ میلیون دلار رسیده است، بسیار امیدبخش

۳۶. زهرا چیذری (۱۳۹۷)، «در حوزه زنان و خانواده دستاورد انقلاب اسلامی ایران»، دسترسی در:

<http://www.javanonline.ir>، ۱۶ تیر ۱۳۹۷.

است. از نظر وزنی نیز صادرات غیرنفتی به وزن ۷۰ میلیون و ۴۰۲ هزار تن و به ارزش ۳۲ میلیارد و ۳۸۸ میلیون دلار رسیده که از نظر ارزشی چهار و نیم درصد نسبت به مدت مشابه سال قبل رشد را نشان می‌دهد و از نظر وزنی نسبت به سال قبل ۱۶ درصد کاهش داشته است.^{۳۷}

اما در پاسخ به این پرسش که چرا در این حوزه به خودکفایی کامل نرسیده‌ایم، چند علت را می‌توان ذکر کرد:

۱- **هزینه‌های بالای صنایع بالادستی نفت و گاز؛** نگاه مدیران به درآمد بیشتر در مقطع زمانی کوتاه یکی از دلایل مهم خام‌فروشی است. این مسئله سبب شده است برخی مدیران به دنبال احداث پالایشگاه برای فرآوری نفت و تولید محصول جدید نباشند. از سوی دیگر، ایجاد پالایشگاه بسیار هزینه‌بر است و تا رسیدن به تولید و درآمدزا شدن به زمان نیاز دارد و از آنجا که تاکنون اقتصاد کشور به فروش نفت خام متکی بوده است، مدیران به سراغ آن نرفته‌اند.

۲- **تحریم‌ها در حوزه هایتک (فناوری‌های پیشرفته)؛** گفتنی است، صنایع نفتی در سراسر جهان، حدود ۲۰ درصد به مادرشرکت‌های نفتی آمریکایی وابسته هستند. از ابتدای پیروزی انقلاب تاکنون، ما در دستیابی به فناوری‌های نفتی تحریم

۳۷. روزنامه کیهان، «حجم تجارت غیرنفتی به مرز ۷۰ میلیارد دلار رسید»، دسترسی در:

<https://kayhan.ir/fa/news/255134/>، ۱۴۰۱/۹/۱۴.

بوده‌ایم. با این حال، در وضعیت سخت تحریمی، موفق به خودکفایی حدود ۹۰ درصدی در حوزه صنایع نفت و گاز شده‌ایم.

۲۴- انقلاب اسلامی چه دستاوردهایی برای اهل سنت داشت؟

با وقوع انقلاب اسلامی گام‌های مهمی در جهت احقاق حقوق گوناگون ملت، اعم از زن و مرد و شیعه و سنی برداشته شد و نگاهی متوازن و متعادل به حقوق آحاد ملت حاکم شد. شاید بتوان گفت، آنچه در اصل دوازدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران درباره اهل سنت آمده است، به خوبی بیان‌کننده نگاه منطقی و دقیق جمهوری اسلامی به اهل سنت است. در این اصل تصریح شده است: «دین رسمی ایران، اسلام و مذهب جعفری اثنی عشری است و این اصل الی الابد غیر قابل تغییر است و مذاهب دیگر اسلامی اعم از حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی و زیدی دارای احترام می‌باشند و پیروان این مذاهب در انجام مراسم مذهبی، طبق فقه خودشان آزادند و در تعلیم و تربیت دینی و احوال شخصیه (ازدواج، طلاق، ارث و وصیت) و دعاوی مربوط به آن در دادگاه‌ها رسمیت دارند و در هر منطقه‌ای که پیروان هر یک از مذاهب اکثریت را داشته باشند، مقررات محلی در حدود اختیارات شوراها بر طبق آن مذهب خواهد بود، با حفظ حقوق پیرامون سایر مذاهب.»

اصل فوق و عملکرد جمهوری اسلامی ایران در ارتباط با پیروان سایر مذاهب اسلامی به خوبی نشان‌دهنده اهتمام نظام به رعایت حقوق پیروان این مذاهب است.

بر این اساس، حقوقی که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برای مسلمانان مورد نظر مقرر داشته، عبارتند از:

۱- **احترام:** قانون اساسی برای ایجاد روابط مسالمت‌آمیز و اخوت و برادری بین همه مسلمانان و پرهیز از هرگونه تفرقه‌ای بر رعایت احترام کامل تأکید می‌کند. بنابراین، هرگونه سب و لعن یا بی‌احترامی نسبت به پیروان مذاهب اسلامی قانوناً ممنوع است.

۲- **آزادی انجام مراسم‌های مذهبی:** در جمهوری اسلامی ایران، مسلمانان سایر مذاهب اسلامی و حتی اقلیت‌های غیرمسلمان در انجام مراسم مذهبی خود کاملاً آزاد و مورد احترام هستند.

۳- **رسمیت تعلیم و تربیت دینی و احوال شخصیه:** اصل دوازدهم قانون اساسی، فقه این مذاهب و حق تعلیم و تربیت دینی آنان را به رسمیت شناخته و برای دولت تکلیف می‌کند که امکانات لازم را در این زمینه فراهم کند. تأسیس و توسعه مدارس گوناگون دینی اهل سنت در نقاط مختلفی که آنان حضور دارند، گویای توجه جدی نظام به این مسئله است.

۴- **رسمیت قانون‌گذاری محلی:** با فرض اینکه در برخی از مناطق کشور پیروان یکی از مذاهب اسلامی، اکثریت ساکنان را تشکیل می‌دهند، قانون اساسی مقررات محلی را در حدود اختیارات شوراها در چارچوب موازین اسلامی و قوانین کشور به آنان واگذار کرده است.

۵- حقوق سیاسی و اداری شامل الف - آزادی تشکیل احزاب، جمعیت‌ها،

انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی، براساس اصل ۲۶ قانون اساسی.

ب - نمایندگی مجلس شورای اسلامی براساس اصل ۶۴ قانون اساسی. ج - تساوی

با همه ملت ایران، در همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با

رعایت موازین اسلامی، براساس اصل نوزدهم و بیستم قانون اساسی.

برهمن اساس، علمای اهل تسنن در مجلس خبرگان رهبری که وظیفه نظارت بر

عالی‌ترین مقام کشور را دارد، سه نماینده دارند. در مجلس شورای اسلامی نیز

حدود ۲۰ نماینده دارند. از لحاظ استخدام در نهادها و ادارات دولتی و حکومتی نیز

محدودیتی بر سر راه اهل سنت نیست. همچنان که بسیاری از مسئولان شهری و

استانی در مناطق سنی‌نشین در اختیار برادران اهل تسنن است. افزون بر آن، امکان

حضور برادران اهل تسنن در نهادهای نظامی، اطلاعاتی و امنیتی نیز قابل توجه است

و تنها بیش از ۵ هزار نفر از برادران اهل سنت در سپاه کردستان عضو هستند و اینکه

دریادار شهرام ایرانی (فرمانده نیروی دریایی ارتش) از برادران اهل سنت است. طبق

برخی آمارها، بیش از ۶۰ درصد بخشداران در استان سیستان و بلوچستان و حدود

۹۸ درصد اعضای شوراهای شهر و روستا در این استان از اهل سنت هستند.

همچنین، تعداد قابل توجهی از شهرداران سنی مذهب هستند. همه دهیاران از میان

فعالان اهل سنت منصوب شده‌اند و برخی فرمانداران، برخی مدیران کل و حتی

معاونان استاندار از برادران اهل سنت هستند که در هیچ کشور اسلامی نظیر آن را

نمی‌توان یافت. دکتر صالح ادیبی به عنوان اولین سیاستمدار کرد اهل ایران، در سال ۱۳۹۴ در نقش سفیر و نماینده تام‌الاختیار جمهوری اسلامی ایران در ویتنام منصوب شده بود.

۹۰ درصد اعضای شوراهای حل اختلاف از معتمدان اهل سنت در مناطق سنی‌نشین انتخاب و از سوی دادگستری استان‌ها برای آنها حکم صادر شده است. فارغ‌التحصیلان حقوق اهل سنت به تعداد مورد نیاز از سوی قوه قضائیه انتخاب شده و در محاکم به عنوان دادیار، بازپرس و قاضی به خدمت اشتغال دارند و...

با این حال، در حوزه‌های اجتماعی - عمرانی نیز خدمات بسیاری در زمینه‌های گوناگون به اهل سنت ارائه شده است. برای نمونه، در استان کردستان، پیش از انقلاب تنها ۹ روستا از نعمت برق بهره‌مند بودند، در حالی که هم‌اکنون و به برکت انقلاب اسلامی ۱۰۰ درصد جمعیت شهری و ۱۰۰ درصد جمعیت روستایی بالای پنج خانوار در استان کردستان از انرژی برق بهره‌مند هستند. لوله‌کشی گاز طبیعی به مناطق شهری و روستایی استان کردستان یکی دیگر از خدمات مهم و ارزشمند ارائه شده به هم‌وطنان اهل سنت ساکن این استان است؛ جمعیت شهری این استان با برخورداری ۹۹/۶ درصدی از گاز طبیعی جزء سه استان برتر کشور است. بالغ بر ۷۰ درصد از جمعیت روستایی استان هم که شامل بیش از ۶۵۰ روستا می‌شود نیز از نعمت گاز طبیعی بهره‌مند هستند. به برکت انقلاب اسلامی در این استان حدود ۱۰۰۰ واحد صنعتی بزرگ و کوچک وجود دارد. کارخانه ذوب آهن قروه با تولید

سالانه ۷۰ هزار تن شمش چدن و هزار و ۸۰۰ نفر اشتغال‌زایی، کارخانه سیمان بیجار و تراکتورسازی سنندج از صنایع بزرگ استان کردستان هستند که همگی به برکت انقلاب ایجاد شده‌اند. توسعه راه‌ها و احداث بالغ بر ۱۰ سد در سطح استان که در توسعه کشاورزی در استان نقش جدی داشته‌اند نیز از دیگر خدمات عمرانی در کردستان است.

پیش از انقلاب ۹۹ پزشک عمومی و ۳۵ پزشک متخصص در استان وجود داشت؛ اما اکنون بالغ بر ۳۰۰ پزشک متخصص، ۲۰ پزشک فوق‌تخصص و ۱۳۵ دندانپزشک به مردم استان خدمات بهداشتی درمانی ارائه می‌کنند. حدود ۷۰۰ خانه بهداشت، ۸۰ مرکز بهداشتی روستایی، ۶۶ درمانگاه شهری و ۱۲ بیمارستان با یک هزار و ۶۲۶ تخت بیمارستانی فعال به مردم منطقه خدمت‌رسانی می‌کنند.

نکته مهمی که در این میان باید به آن توجه کرد، همانا جهت‌گیری برابانه نظام در قبال همه شهروندان، بدون توجه به مذهب آنهاست؛ به گونه‌ای که امروز، هموطنان اهل سنت، از همه حقوقی که شیعیان برخوردارند، اعم از حقوق طبیعی، مدنی، اقتصادی و سیاسی آنها نیز برخوردارند.